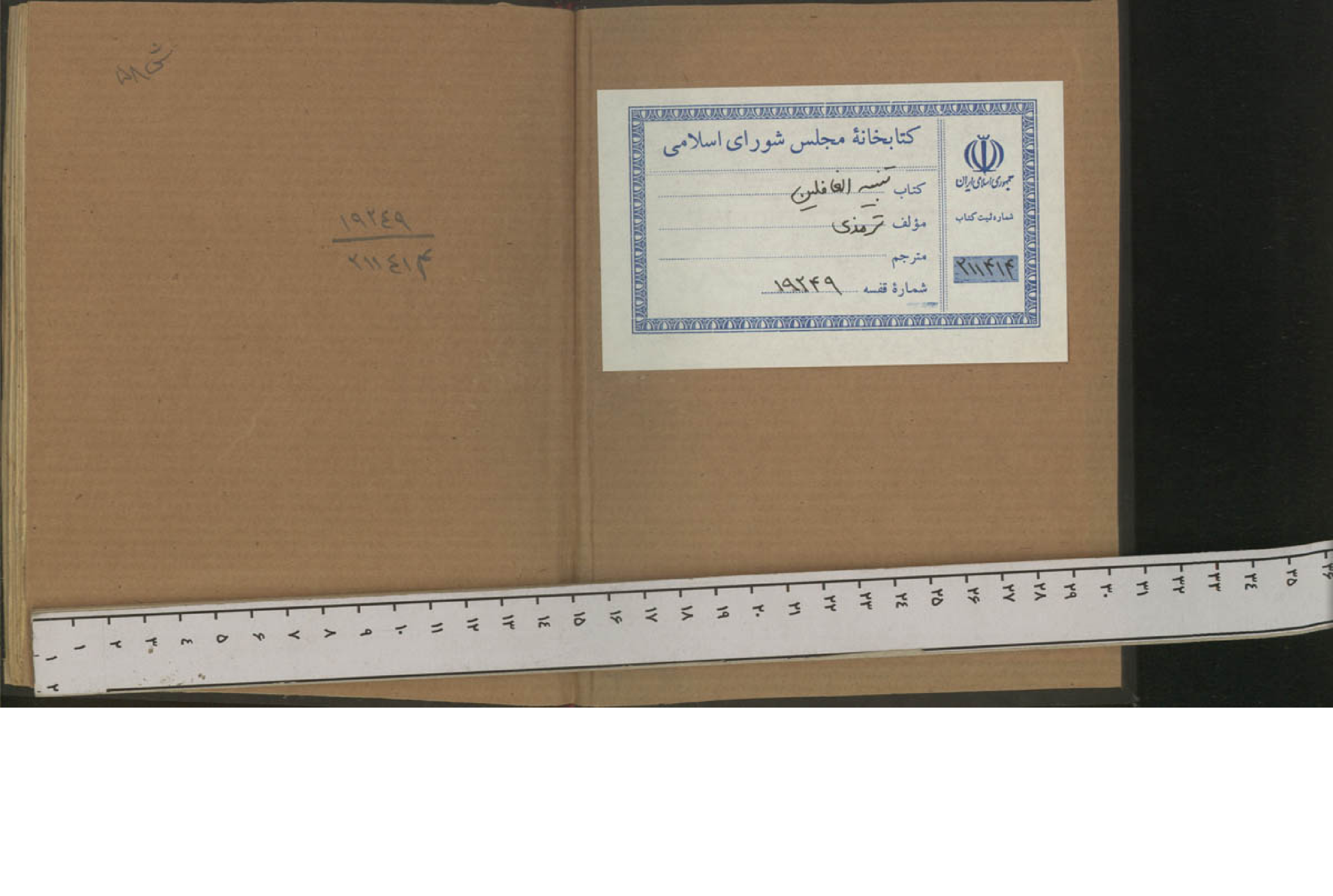
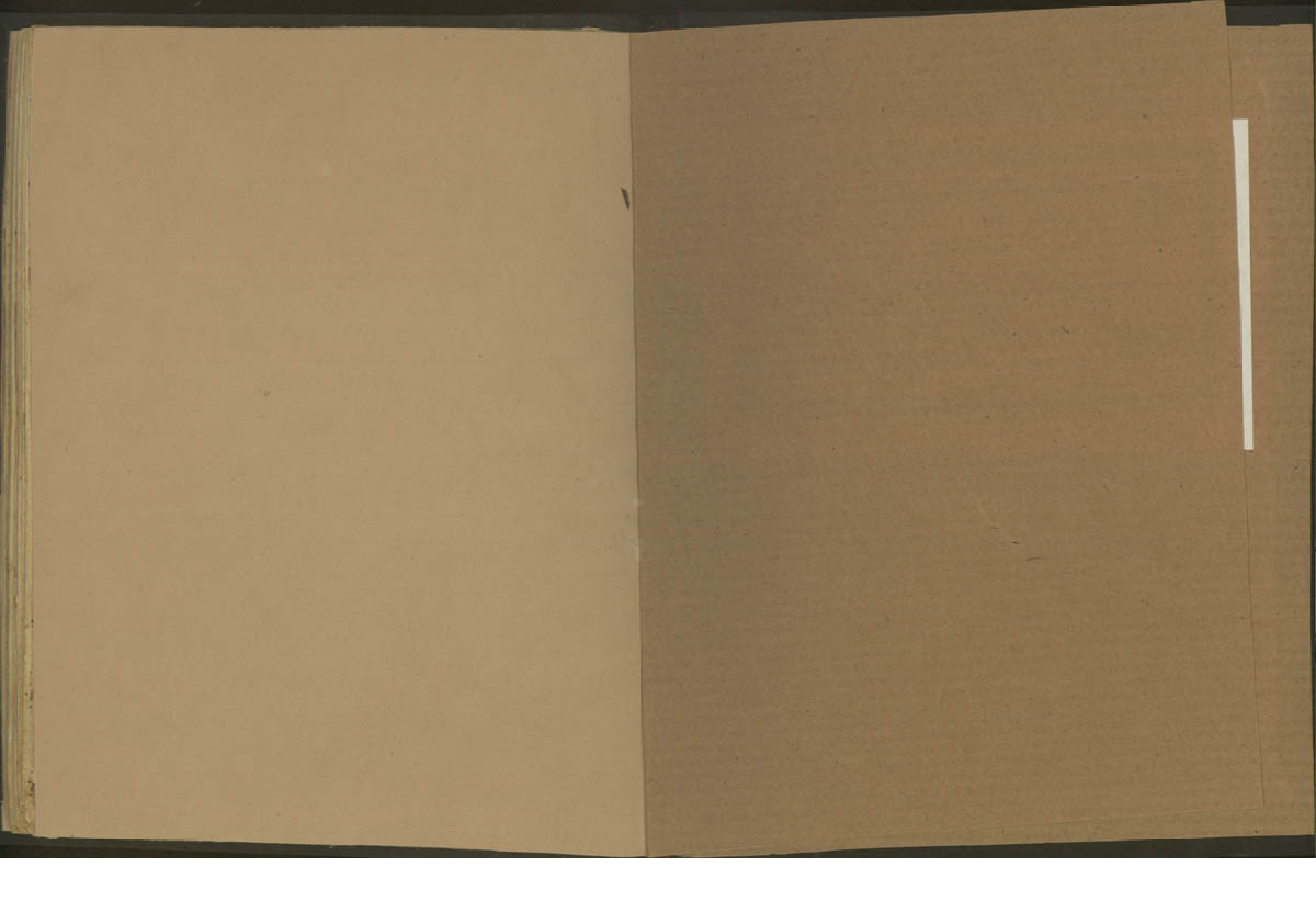


شی ۵۸
۱۹۲۴۹
۲۱۱۴۱۴
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب تنبیه الغافلین
مؤلف ترمذی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۹۲۴۹
شماره ثبت کتاب
۲۱۱۴۱۴



دیگر رسول علیه السلام فرمود که اطلبوا العلم ولو کان بالصین یعنی
بجویید علم را اگرچه بود به چین باید رفت **بیت** طلب کن تو علم
ای پسر از وطن گر تو سوی چین هم بباید شدن که گر
عالمی از ملک برتری وگر جاهلی مانده در مجن دیگر رسول ع م
فرمود که اطلب العلم من المهد الی اللحد یعنی گفت طلب کنید علم را از آن
زمان که در گهواره باشید تا آن وقت که شما را در خاک لحد بخوابانند
و دیگر رسول علیه السلام فرمود که اطلبوا العلم ولو کان بین ایدیکم
نار تحرقون او بحر تغرقون یعنی طلب کنید علم را اگرچه باشد در
پیش شما آتش سوزان و یا دریای غرق کننده باید که از آتش سوزان
و دریای غرق کننده بگذارد و بطلب علم مشغول شوید که بی علم
خدای را پرستیدن ضلالت است و راه بحق نتوان بردن مگر بعلم
بیت بیاموز علم ادب ای پسر که بی علم کس را بحق راه نیست
کسی ننگ دارد بآموختن که از ننگ نادانی آگاه نیست دیگر رسول ع م

فرمود که اطلبوا العلم فان طالب الدنیا کثیرا یعنی طلب کنید علم او بجوئید
دانش را که جوینده گان دنیا بسیارند و در توریت موسی عم آورده اند
که خدا تعالی خطاب کرد که ای موسی بگیر از آهن نعلین و عصای و طلب
کن علم او بجوی دانش را چندانکه نعلین بدرد و عصا بشکند بدرستی
که هر علم که بی عمل باشد هباء منثورا بود پس علم دلیل عمل بود و چیزی
که او بی دلیل بود و بی حجت باشد شکی نیست که در بیابان ضلالت
سرگردان بماند و بی دلیل راه رفتن خطای بزرگ است بیت بر خلق
جهان عمل تباه است تباه بی علم کنی کار گناه است گناه تا باد جهان
ز علم باد روشن بی علم همه جهان سیاه است سیاه دیگر رسول علیه السلام
فرمود که مثل الذین یعمل بغیر علم کمثل الحمار فی الطاحونة یدور
فی مکانه ولا یستطیع ان یتجاوز من مکانه یعنی آنکسانکه عمل
میکنند بی علم چون خری باشند که در آسیا گردش کنند و نتوانند
که از مقام خود در گذرند و دایم سرگردان باشند و این زمان هر کس

بجهالت

بجهالت خود در ساخته اند و بطلب علم کمتر پرداخته اند از آن سبب زیراکه
رسول علیه السلام فرموده اند که العلم صیقل القلب یعنی علم روشن کنندهٔ
دل بود دیگر رسول علیه السلام فرمود که القلب میت وحیواته با
العلم والعلم میت وحیواته بالطلب یعنی دل مرده است و زنده گی او بعلم
حاصل میشود و علم مرده است زنده گی او بطلب حاصل میشود بیت
دل جاهلان را تو مرده شناس نباشد دل جاهلان حق شناس دل تو را
بعلم و عمل زنده کن وگر نه تو باشی خری نا سپاس باب اول در بیان
فضیلت علم و علما وغیره این باب مبنی است بر ۳ فصل فصل اول در
بیان فضیلت علم و در روایت صحیح آمده است که صحابه از رسول علیه السلام
سوال کردند که یا رسول الله کدام عمل فاضل تر است گفت علم صحابه گفتند
ما از عمل شما را سوال کنیم رسول صلی الله علیه وسلم گفت عمل با علم بسیار بود
و عمل با جهل اندک بود یعنی هر عمل که با علم نباشد هیچ قربت و منفعت
نبود از ایشان خدا تعالی بیت گر عمل با علم باشد اندکی هست

بسیار قبولت بیشک ور بود با جهل بسیاری عمل کم بود ناید قبول

از ده یکی دیکر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که طلب العلم ساعة خیر من عبادة

سنة قائم باللیل وصائم بالنهار یعنی یکساعت بطلب علم مشغول بودن

بهتر بود از عبادة یکساله که شبها بعبادت مشغول باشد وروزها بروزه باشد

دیکر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که العلم ثمرة الایمان وسراج الاسلام یعنی علم

میوهٔ ایمان است وچراغ اسلام پس اکر علم نباشد یقین میدان که از ان

ایمان هیچ بهره نباشد دیکر رسول علیه السلام فرمود که خیر الدنیا والاخرة

مع العلم وشر الدنیا والاخرة مع الجهل یعنی نیکی دنیا وآخرة بعلم بود وبدی

دنیا وآخرة از جهل بود پس واجب ولازم بود طلب کردن علم تا از نیکی

دنیا وآخرة بهره حاصل شود واز بدی دنیا وآخرة خلاصی یابد دیکر

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که هر کس یک مسئله از علم بیاموزد خدا تعالی

اورا در قیامت هزار قلاده از نور در کردن او اندازد و هزار کناه

اورا بیامرزد ودر بهشت از برای او شهر بنا کند از دوزخ وبنویسد

در دیوان اعمال او بهر تار موی که بر تن اوست ثواب یک حج وعمرة دیکر رسول علیه السلام

فرمود که العلم ودیعة الله تعالی فی ارضه والعلماء امناؤه یعنی علم ودیعة

خدا تعالی است در زمین وعلما امینان خدا تعالی اند دیکر در روایة صحیح آمده است

که اختلاف افتاد میان اهل شام واهل بصره در فضیلت علم ومال اهل شام

کفتند مال فاضلتر بود واهل بصره کفتند که علم فاضلتر بود پیش حضرت امیر

المؤمنین علی رضی الله عنه آمدند وکفتند مسئله ما را جواب کوی امیر

مردان فرمودند که یا اهل شام علم به هشت درجه از مال فاضلتر است اول

انکه علم میراث پیغمبران است علیهم السلام ومال میراث کسری وقیصر وفرعون است

دویم علم زیاده شود بنفقه کردن در حق مسلمانان صرف کردن ومال

کم شود بنفقه کردن در حق مسلمانان سیم انکه علم صاحب خود را نکاه دارد

ومال را نکاه باید داشت چهارم انکه چون بمیرد علم از وی جدا نشود ودر

قبر ومرصات با وی بود ومال جدا شود نزدیک مرک وارثان بربایند پنجم

انکه خلق عالم آدمیان چهار کروه اند یک طایفه علما اند ودویم امرا وسیم اغنیا

ملع

وچهارم فقرا وسه گروه اند ازایشان که امرا واغنیا و فقرا اند که محتاج اند
بعلما وعلمارا بدیشان هیچ حاجتی نیست ششم انکه علم اند هد خدا تعالی
مگر بخاصان خود وبرگزیدگان خود ومال را بدهد بکافران وظالمان
هفتم انکه علم صاحب خودرا برصراط روز قیامت گذراند چون برق
درخشان ومال صاحب خودرا برصراط بدارد تا خدا تعالی چه حکم کند براو
هشتم انکه از جمع کردن مال اهل شام دعوی خدایی کردند واهل بصره بجمع کردن
علم دعوی خدایی نکردند **بیت** علم مثل جوهریست ای با بصر بشنو از من
کی تو هستی با خبر هست فاضلتر ز ملک و مال و جاه علم پیش انبیا ای باهنر
روایتست از ابن عباس رضی الله عنهما که رسول علیه السلام گفت که جبرئیل علیه السلام را پرسیدم
که جهاد فاضلتر است یا علم گفت آموختن علم گفتم دیگر گفت پنج وقت نماز
فریضه گفتم پس ازان گفت نگریستن بعلما ودانایان که ایشان را دیدن
وبا ایشان نشستن عبادتست دیگر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که یک ساعت
نزدیک علما نشستن که دران حال بیان علم کنند بهتر بود از هزار رکعت

نماز تطوع وازصد هزار تسبیح وازهزار اسب که برای غزا بسته باشد ودیگر
سجده کردن فرشتگان آدم را علیه السلام سبب تعظیم علم وفهم آدم علیه السلام
بود وآن سجده فضیلت علم بود فضیلت علم آنست که خدا تعالی بیاموخت حضرت
سلیمان ابن داود علیهما السلام را ومنت نهاد بروی که ففهمناها سلیمان
ومملکت وپادشاهی بدو داد وبروی منت نهاد وگفت هذا عطاؤنا
ودیگر فضیلت علم آنست که این همه محبت که خدا را بر محمد صلی الله علیه وسلم بود
وهست وبا پیغمبران دیگر نبود چون خواست که محبت او با ایشان زیاده
شود واظهار فضیلت ونبوت ایشان پیدا شود با ایشان کتاب فرستاد
که مراد ازان کتاب علم ودانش بود پس معلوم شد که هیچ چیز ز علم فاضلتر نیست
نزد انبیا واولیا واصفیا **بیت** علم ودانش پیش جمله انبیا هست افضل جمله
نزد اولیا ازهمه اشیا که سبحان آفرید در زمین وکوه ودریای سما

باب دویم در بیان فضیلت علم وغیره خدا تعالی میفرماید وَالَّذِينَ
اُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ یعنی خداوندان علم را داده شده است وبدهند

درجات ومنازل او جای دیگر فرمود که انما یخشی الله من عباده العلماء
یعنی بندگان که عالم‌اند از خدای تعالی می‌ترسند و فرمان برداری بجای
میارند دیگر رسول علیه السلام فرمود که عظموا العلماء فانکم تحتاجون
الیهم فی الدنیا والآخرة یعنی بزرگ و گرامی دارید علما را بدرستی که
شما را احتیاج است بعلما و بعلم ایشان در دنیا و آخرة دیگر رسول ع م
فرمود که ومن احب ان ینظر الی عتقاء الله من النار فلینظر الی
العلماء والمتعلمین یعنی هر کس دوست میدارد که نظر کند و ببیند
آزادکان خدای تعالی از آتش دوزخ گو نظر کن بعلما و متعلمان
دیگر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که من خدم عالماً سبعة ایام فقد خدم
الله تعالی سبعة الف سنة واعطاه الله تعالی بکل یوم ثواب الف شهید
یعنی هر که خدمت کند عالمی را هفت روز بدرستی که خدمت
کرده باشد خدای را هفت هزار سال و بدهد او را خدای تعالی برای هر
روز ثواب هزار شهید دیگر رسول علیه السلام فرمود که ومن اکرم

عالماً

شهداء بعلما دیگر رسول علیه السلام فرمود که طلب کننده گان علم نزد خدای تعالی
فاضلترست از مجاهدان و حاجیان و اداکنندگان عمره و معتکفان و
آمرزش خواهند از برای او درختان و دریاها و ابرها و بادها و ستاره
و هر چیزی که آفتاب برو تابد دیگر رسول علیه السلام فرمود که ومن لم یحزن
لموت العالم فهو منافق یعنی هر که اندوهگین نشود بمرگ عالم فهو منافق
پس او منافق باشد زیرا که هیچ مصیبت بزرگتر از مصیبت عالم نیست زیرا
که چون عالم وفات کند آسمانها و ساکنان آسمانها هفتاد روز برو بگریند
و زاری کنند و هر که اندوهگین شود بمرگ عالم بنویسد در دیوان اعمال
او ثواب هزار عالم و ثواب هزار شهید دیگر رسول علیه السلام فرمود که ومن
حقر طالب العلم فقد حقرنی ومن حقرنی فله النار یعنی هر که خار
گرداند طلب کنندهٔ علم را بدرستی که چنان بود که خار دارد مرا و هر که
خار دارد مرا جای او در آتش دوزخ بود دیگر رسول علیه السلام
فرمود که ومن حقر طالب العلم فهو منافق وملعون فی الدنیا والآخرة

یعنی هرکه حرمت ندارد عالمانرا بدبختی که او منافق و ملعون است در
دنیا و آخرة بیت ای بود وجود تو زیک قطره منی هان تا نکنی
بعالمان کبر و منی زیرا که چنین گفت رسول مدنی من اکرم عالما
فقد اکرمنی دیگر رسول صلی الله علیه فرمود که ان لطالب العلم شفاعة
کشفاعة الانبیاء یعنی طالب علم فردای قیامت بمقام شفاعت بود
چون شفاعت پیغمبران علیهم السلام دیگر رسول علیه السلام فرمود که
ومن مات فی تعلمه قبل بلوغ مقصده یجیء ملکان فی قبره
لیعلمه الی یوم القیمة یعنی هرکه وفات کند در طلب علم پیش از انکه
مقصود او حاصل شود خدای تعالی بیافرستد فرشته را در قبر وی
تا ویرا تعلیم گوید تا بروز قیامت دیگر رسول علیه السلام فرمود
که ومن اذل عالما بغیر حق اذله الله علی رؤس الخلایق یعنی
هرکه برنجاند عالمی را بغیر حق خار و ذلیل گردانند از خدای تعالی
روز قیامت بر حشرگاه برسر جمیع خلایق چنانکه اهل عرصات
بدانند

بدانند او را دیگر رسول علیه السلام فرمود که الناس اثنان عالم
ومتعلم والباقی کالهمج لا خیر فیهم یعنی مردمان دو نوع اند عالم
ومتعلم دیگران چون خرمکس اند که نیست نیکویی در ایشان
بیت انکه او آدمی گفت رسول درمیان خلق قول او قبول
عالم است طالب علم دیگر مردمان چون خرمکس باشند جهول
دیگر رسول صلی الله علیه فرمود که مداد العلماء خیر من دم الشهداء
یعنی سیاهی که علما قرآن و احادیث نویسند بهتر و نیکوتر از خون
شهیدست دیگر رسول علیه السلام فرمود که ومن حفظ من
امتی اربعین حدیثا کتب الله له یوم القیمة فقیها عابدا یعنی
هرکه یاد گیرد از امت من چهل حدیث بنویسد خدای تعالی او را فقیه
در روز قیامت و عابد و برانگیزاند او را یعنی او را در جریدهٔ علما
وفقها نویسند دیگر رسول علیه السلام فرمود که علیکم
بعمل الرجال قیل وماذاك یا رسول الله قال تعلم العلم وصحبت

العلماء یعنی رسول علیه السلام صحابه را گفت که بر شما باد که عمل مردان

پیشه کنید گفتند یا رسول الله عمل مردان چیست گفت علم آموختن

و با علما نشستن دیگر رسول علیه السلام فرمود که اشرف امتی حملة

القرآن یعنی بزرگترین شما آنکس بود که قرآن بیاموزد و بیاموزاند

دیگر رسول علیه السلام فرمود که العالم کالذهب والمتعلم کا

الفضة و ما دونهما کالرصاص یعنی عالم چون زر سرخ است و متعلم

چون زر سفید و باقی مردمان چون ارزیز دیگر پیغمبر علیه السلام

فرمود که متعلم چون بنشیند و عالم دهان بگشاید خدای تعالی

درهای رحمت بر وی او باز کند چون از آنجا برخیزد آمرزیده وی

گناه باشد چنانکه از مادر زاده باشد و بدهد او را خدای تعالی

بهر حرفی ثواب عبادت یکساله و بنا کند از برای او بهر ورقی شهری

در بهشت که هر شهری ده چندان دنیا بود پس واجب و لازم بود

بر همه مؤمنان که بطلب علم مشغول شوند تا این ثواب را دریابند

و از جهالت

از جهالت خلاصی یابند **بیت** بیاموز علم و ادب ای پسر که هرگز

ز مادر نزاده کسی با هنر بتحصیل دانش تو کوشش نمای که دانا

چو شاه است نادان چو خر دیگر رسول علیه السلام فرمود که بروایت

صحیح و خبر صحیح آمده است از صحابه کبار که روزی در خدمت

رسول علیه السلام بودم که شخصی اندر آمد و گفت یا رسول الله چه

اجر بود پیش حق تعالی آن کس را که فرزند خود را قرآن بیاموزد رسول علیه السلام

فرمود که قرآن کلام مجید حق است ثواب از اجر خداوند کسی نداند

و نتواند بیان کردن رسول علیه السلام درین سخن بود که جبرئیل علیه السلام

در آمد از حضرت رب العالمین و گفت یا محمد حق تعالی ترا سلام میرساند

و میگوید که هر که فرزند خود را قرآن بیاموزد چنان باشد که ده هزار

بار حج کرده باشد و هزار بار بغزا رفته باشد و ده هزار مسکین

گرسنه را طعام داده باشد و ده هزار برهنه را جامه پوشیده باشد

و بنویسد بهر حرفی در دیوان اعمال او ده نیکی و از دیوان اعمال او

محو کرداند وبدی وحد قبح باوی بود وکران کرداند بلکه نیکی اورا
وبکنراند اورا بر پل صراط چون برق جهنده وهرکه ازوی جدا نکنند
تا برسانند اورا با کرامات وبزرکی فاضلتر وبیشتر ازین چه ازنظر
بود بیت جان مؤمن شادمان از خواندن قرآن بود خواندن
قرآن بظاهر جان ریحان بود هرکه با فرزند خود از بهر
قرآن رنج برد در قفس روز جزا اندر بهشت اسان بود شرع چون
سبزیست قرآن قطرهٔ باران بود قوت هر سبزه چون از قطرهٔ باران
بود غرقه از قرآن بود تا زنده باشی در جهان چون بمیری مونست
در قبر هم قرآن بود بوده باید بود روز وشب بقرآن هم قرین
تا قرینش مصطفی با جملهٔ یاران بود دیگر در فضیلت علما رسول علیه السلام
فرمود که در هر شهری که عالم یا متعلم در انجا درآید وطعام وآب
ایشان بخورد وبیاشامد واز یک طرف درآید واز دیکر جانب
بیرون رود به برکت درآمدن عالم در ان شهر خدایتعالی بردارد

عذاب

عذاب را از اهل کورستان ایشان چهل روز وبروایتی چهل سال بس است.
فضل بیش بنیا واولیا واتقیا علم وتقوی وادب آمده نه مال ومنال
وجاکه بیش بزرکان وخداوندان دین منال بسیار ومال بیشمار را
قرب نیست بیت جوان بر همنی بیر وعیر سال او مشمر که ده سال که بر
علم است بیر بر از بنجاه کاو خر قال از علم میکویم تو بیری بیش میآری
اکر بر همنی بودی بلی ابلیس بیغمبر فصل سیم در حق قاضیان
بی علم ومنجمان جاهل بدانکه قاضیان سه طایفه باشند یک طایفه
اهل بهشت اند ودو طایفه اهل دوزخ بحکم حدیث رسول علیه السلام
القضاة ثلاثة قاضیان فی النار وقاض فی الجنة یعنی قاضیان
سه کروه اند دو کروه در دوزخ باشند ویک کروه در بهشت
اما آن دو کروه که در دوزخ باشند آنانند که ایشان از علم بنا
وانسر چهل مسئله شرعی جواب کویند دویم آنکه ایشان از علم بود
ومیل وی برشوت حکم کند بس از جملهٔ فاسقان وظالمان باشند

خدا تعالی میفرماید وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
یعنی هر که حکم نکند بانچه خدا تعالی فرستاده او از طائفهٔ ظالمان است دیگر
رسول علیه السلام فرمود که ویل للعالم یتکلم بهواء الناس لا یکون
احد اشد عذابا یوم القیمه یعنی وای مر آن عالمی که سخن گوید بهوای
نفس مردم روز قیامت از وی کسی دردناکتر نباشد دیگر خدا تعالی
میفرماید که أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ
تَتْلُونَ الْكِتَابَ یعنی مردمان را بنیکویی امر کنید و فراموش کنید نفسهای
خود را و شما خوانندهٔ کتابید یعنی شما علمایند دیگر رسول علیه السلام
فرمود که العالم بلا عمل کشجرة بلا ثمر فی النار و لی بها یعنی عالم بی عمل مثل
درخت بی میوه بود و باتش سزاوارتر بود که هر درخت که او را میوه
نبود مباشد بغیر آتش او را جای نباشد بیت عالمی را چون عمل همراه نیست
جان او از علم او آگاه نیست چون درخت بی بر است اندر مثل کش
بجز آتش پناه و راه نیست پس تحقیق باید دانست که علم بی عمل بیکار

نیکست

نیکست و عمل بی علم دیوانگیست و علم که امروز ترا در طاعت نیارد
وا ز معاصی باز ندارد فردا هم ترا از آتش دوزخ نگاه ندارد بیت
علم که ترا بطاعت آرد بطلب علم که ترا بحق رساند بطلب علم که ترا
باز ندارد ز گناه تحقیق بدان است که دیگر مطلب دیگر رسول علیه السلام
فرمود که العلماء امناء الرسل ما لم یخلطوا فی الدنیا فاحذروهم علی
دینکم یعنی علما امینان پیغمبرانند مادام که بدنیا نیامیزند و چون بدنیا
بیامیزند بپرهیزید از ایشان تا دین شما را نقصان نشود دیگر در حق
منجمان میفرماید خدا تعالی لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا
اللَّهُ یعنی بگوی ای محمد صلی الله علیه وسلم که نداند منجمان انچه در آسمان و زمینست
مگر خدا تعالی دیگر رسول علیه السلام میفرماید که کذب المنجمون برب
الکعبة یعنی سوگند یاد میکنم بپروردگار کعبه که منجمان دروغ گویانند
دیگر رسول علیه السلام فرمود که المنجم عند الله عاص و عند الناس
متهم و فی القبر مع ندامة شدیدة و عذاب الیم یعنی منجم نزد خدا تعالی

عاصی بود و نزد آدمیان متهم بود و در قبر پشیمان سخت باشد و عذاب
دردناک دیگر رسول علیه السلام فرمود که و من اتی کاهنا فصدقه
بما یقول فقد کفر بما انزل الله علی محمد یعنی هر که پیش رمال رود و یا پیش
منجم و اینها را راست گوی داند بدانچه گوید و از غیب خبر دهد به راستی
که کافر گردد بدانچه فرستاده است خدای تعالی با محمد صلی الله علیه وسلم یعنی قرآن دیگر علی
میفرماید که المنجم کالکاهن والکاهن کالساحر والساحر کالکافر
والکافر فی النار یعنی منجم چون فال گوی و رمال است و فال گوی چون
جادو است و جادو چون کافر و کافر در آتش دوزخ بود بیت
منجم یکی گمره دان تمام بقول خدا و رسول و امام جمله قول
ایشان تو از دل قبول که کافر نگردی اخی والسلام باب دوم
در صفت نماز و فضیلت آن و عقاب تارک آن و این باب مبنی بود
بر دو فصل فصل اول در فضیلت نماز در خبر است از رسول علیه السلام
که یک نماز فریضه پیش حق تعالی بمنزله بیست حج است و یک حج فاضلتر

وبهتر

و بهتر است از خزانه پر از زر سرخ که صاحب او آن زر را تمامی فی سبیل الله
بصدقه دهد در خبر است که بنده بهیچ وجه و هیچ وسیله بنزد خدای تعالی
مقرب نگردد مگر بنماز بعد از معرفت خدای تعالی دیگر پیغمبر علیه السلام میفرماید
که چون بنده مؤمن روی کند از برای نماز باخلاص تمام و نیت کند
و بگوید الله اکبر بیرون آید از گناه چون روزی که از مادر زاده باشد
و خدای تعالی ثواب عبادت یکساله در دیوان اعمال او بنویسد و چون
فاتحه و سوره بخواند چنان بود که یک حج و عمره بجا آورده باشد و چون
رکوع کند چنان بود که بوزن خود زر سرخ صدقه داده باشد
و چون بگوید سمع الله لمن حمده خدای تعالی بنظر رحمت در وی نگاه کند
و چون سجده کند و تسبیح گوید خدای تعالی او را بعدد فرشتگان نیکویی
دهد و چنان بود که بنده آزاد کرده باشد و چون تشهد خواند خدای تعالی
او را ثواب صابران بدهد و چون سلام دهد و فارغ شود بگشاید
بروی خدای تعالی درهای بهشت را و درآید در بهشت از هر در که خواهد

بجا ب دیگر رسول علیه السلام فرمود که افضل الاعمال الصلوة بعد الایمان
یعنی فاضلترین عملها نماز است بعد از ایمان دیگر رسول علیه السلام فرمود
که اذا قام العبد الی الصلوة المکتوبة علی الله مقبلا بقلبه وسمعه وبصره انصرف
من صلاته وقد خرج من ذنوبه کیوم ولدته امه یعنی چون بنده برای
نماز فرض برخیزد وپیش خدا تعالی بایستد بدل واخلاص پاک چون از نماز
باز گردد بدان ماند که بیرون آید از گناه چون روزی که از مادر زاده باشد
دیگر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که الصلوة کفارة الخطایا یعنی نماز کفارة گناهاست
دیگر رسول علیه السلام فرمود که الصلوة معراج امتی یعنی نماز معراج امت
منست دیگر رسول علیه السلام فرمود که چون بنده تکبیر نماز
بگوید تمام گناه او جمع شود بر پشت او وچون رکوع کند جمع شود
بر گردن او از طرف چپ وچون سجده کند گناهان او بیفتد بر زمین
دیگر رسول علیه السلام فرمود که ان لله ملکا ینادی لوقت کل صلوة
ایها الناس قوموا الی اطفاء نیرانکم یعنی بدرستی که خدا تعالی را فرشته است
که منادی

که منادی میکند بوقت سحر وبوقت هر نماز که ای مردمان برخیزید
وبجای آرید نشاننده وکشنده آتش دوزخ را یعنی نماز را دیگر رسول ع م
فرمود که هر که نگاه دارد چهل بامداد نماز بجماعت اگر همه عالم دشمن او
شوند بر او ظفر نیابند وهر که چهل بار اول در مسجد باز کند ثواب چهل پیغمبر
او را بدهند وثواب چهل هزار فرشته وهر گناه که پیشتر از آن کرده باشد
خدا تعالی بیامرزد وحاجتی او را بر آرد دیگر رسول علیه السلام فرمود
که پنج وقت نماز مثل جوی آب بود که بر در خانهای هر یکی از شما
میرود که هر روز پنج بار غسل کنید که هیچ گرد وچرک بر تن او نماند
واین وقت بود که نماز را بر قاعدهٔ شریعت گذارده باشد یعنی رکوع
وسجود تمام وقرائت تمام بجای آورده باشد دیگر پیغمبر علیه السلام
میفرماید که المصلی یناجی ربه یعنی نماز کننده بخدا تعالی سخن میگوید
ودیگر رسول علیه السلام فرمود که الصلوة نور المؤمن یعنی نماز
نور مؤمنان است دیگر رسول علیه السلام فرمود که الصلوة قربان

کل تقی یعنی نماز قربانی هر پرهیزکار است دیگر رسول علیه السلام فرمود
که نشان ایمان نماز است دیگر خدای تعالی میفرماید که انّ الحسنات یذهبن
السیئات ذلک ذکری للذاکرین دیگر خدای تعالی میفرماید انّ الله لا یضیع
اجر المحسنین یعنی به بهشتی که خدای تعالی ضایع نکند مزد و ثواب نیکوکاران را
ای نمازگذاران دیگر رسول علیه السلام فرمود که الصلوة نور المؤمن یعنی
نماز نور است و روشن کنندهٔ دل است و نماز الفت گرفتن بنده است با
حضرت رب العلمین و چون یاد حق بر دل و جان مکرر میشود علم
و معرفت بحضرت حق تعالی زیاده میشود و چون معرفت بخدای تعالی
زیاده شود محبت و مودت بخدای تعالی زیاده میگردد و عقد ایمان
بر دل و جان نیز راسخ میگردد و نماز را فضیلت بسیار است آن وقت
بود که بخضوع و خشوع و حضور دل گذارد و رکوع و سجود
تمام بجای آورده باشد که خدای تعالی میفرماید قد افلح المؤمنون
الذین هم فی صلوتهم خاشعون یعنی به بهشتی که رستگاری یافتند

مؤمنان آن کسان که در نماز فروتنی نمایند ابن عباس رضی میفرماید
که خشوع در نماز آنست که نمازکننده نداند که بر راست و چپ او کیست
دیگر رسول صلی الله علیه وسلم میفرماید که لا صلوة الا بحضور القلب یعنی نیست
نماز مگر بحاضر بودن دل در نماز دیگر خدای تعالی میفرماید که فویل
للمصلین الذین هم عن صلوتهم ساهون یعنی ویل مر آن نمازکنندگان را
که ایشان را دل در نماز نبود و دران ویل ماریست که شبانروز هفتاد بار
بخدای تعالی بنالد و خدای تعالی میگوید که دهان آن ماررا بکام کسانی است
که در نماز غافل باشند دیگر خدای تعالی میفرماید که اقم الصلوة لذکری
ولا تکن من الغافلین یعنی بر پای دار نماز را از برای یاد کردن من و مباش
از غافلان دیگر خدای تعالی میفرماید که ولا تقربوا الصلوة وانتم سکاری
حتی تعلموا ما تقولون یعنی نزدیک نماز مروید در حال شما که شما
مست باشید تا آنگاه که بدانید که چه میگویید و چه میخوانید فرشته
نزدیک نماز مروید تا از بیخودی با خود آیید و دانید که چه میگویید

و نماز مناجات است که با خدا تعالی میگویند با غفلت دل چگونه باشد
که سبب پراکنده گی دل در نماز غلبهٔ شهوات مختلف است و اصل او هم حب
دنیا است که سر همه خطاها است و منبع همه فسادها و هر که دل او بدنیا جزم
شود از لذات مناجات محروم گشت دیگر رسول علیه السلام فرمود که اتموا
رکوعکم وسجودکم وخشوعکم فانی اریکم من خلفی کما اری
من اقدامی یعنی نماز کنید رکوع وسجود وخشوع در نماز بجا آرید بدرستی که
من می بینم از پس پشت خود چنانکه می بینم از پیش خود دیگر رسول علیه السلام
فرمود که اسوء الناس سرقة من سرق من صلوته یعنی بدترین دزدان
آن باشد که از نماز چیزی بدزدد در رکوع وسجود تمام بجای نیاورد
و دیگر ابن عباس گفت که دو رکعت نماز با تفکر بهتر بود از نماز کردن
شب تا بروز که تا مناهی بر دل وی سرد گردد و نشاط در عبادت بیفزاید
چنانچه گفت خدا تعالی که ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر لم تزده
الا بعدا هر که باز ندارد او را نماز او از ناسزاهای او زیاده نشود او را

از خدا تعالی

از خدا تعالی مگر دوری **بیت** هر نمازی که ترا ناهی نباشد از فساد ای برادر
تو مکن بر وی بکلی اعتماد آن نمازت هست دوری از خدا عیب دان
روز محشر کو بود مر خلق را زاد المعاد **فصل** دویم در بیان عذاب بی نمازان
قال الله تبارک وتعالی یتسائلون عن المجرمین ما سلککم فی سقر
قالوا لم نک من المصلین ولم نک نطعم المسکین یعنی سوال کنند سالکان
دوزخ از گناهکاران که چه گناه کردید که شما را در دوزخ آورده الله
گویند که ما نبودیم از نماز گذاران و از طعام دهنده بگدایان و جای
دیگر میفرماید که اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا
یعنی آن کسان که ضایع کردند نماز را و متابعت نفس وشهوات کردند دور
باشد که ایشان را در غی اندازند ابن عباس رض گوید که غی وادیست در
دوزخ بدان گرمی و هیبت که اگر حق تعالی امر کند و بفرماید دوزخ را
بگرمی خویش بجوشد و در آن وادی ماریست که شصت سال راه
درازی اوست و سی سال راه پهنای اوست از آن دو ... که خدا تعالی

او را آویده است دهان او عمیق است و دهان نگشاید مکر بکوشت
بی نمازان و شراب خواره دیگر در روایت صحیح آمده است که روزی رسول عم
فرمود که روزی برادرم جبرئیل علیه السلام بمن آمد و اداء وحی میکرد
که ناگاه آوازی با هول و هیبت بر آمد چنانکه رنگ جبرئیل علیه السلام تغییر
کرد از وی سوال کردم که ای برادر این چه آواز بود گفت ای محمد صلی الله علیه وسلم
خدای تعالی در دوزخ چاه آفریده و سنگ سیاه در وی انداخته بود
پیش از این بسیزده هزار سال امروز تک آن چاه رسیده رسول عم
گفت از جبرئیل پرسیدم که آن جایگاه کدام طایفه باشد گفت آن
جایگاه بی نمازانست دیگر رسول علیه السلام فرمود که چون روز قیامت
شود بیرون آید از دوزخ کژدم که سر او باسمان هفتم بود و دنب
او تا زمین اسفلین و دهان او از مشرق تا مغرب باشد پس جبرئیل عم
گوید او را که چه میخواهی ای کژدم گوید پنج گروه را میخواهم اول بی نماز
دوم مانع زکوة سیم خمر خواره چهارم سود خوار پنجم کسان که سخنان دنیا

در مسجد گفته باشند پس رسول صلی الله علیه وسلم گفت برچین ایشان را از دشت
عرصات چنانکه کبوتر گنجد را برچیند و باز کرد بآتش بیت اندرین خا
که مسلمانی چو در آیی بجز نماز مکن لاف کاه تو نیست خوانش حق
قصد بر خویشتن در آن مکن دیگر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که هر که
نماز را ترک کند خدای تعالی او را بپانزده بلا مبتلا کند شش در دنیا
و سه نزدیک وفات و سه در گور و سه در قیامت اما شش که
در زندگی بود اول نور از روی وی ببرد دوم برکت از عمر او
بردارد سیم مال او زیاده نشود چهارم خدای تعالی هیچ خیرات او را
قبول نکند پنجم دعای او در محل قبول نیفتد ششم او را در دعای
خیر صلحا ان رسد نبود اما آن سه که نزدیک وفات بود
اول آنکه سخت کرداند بر وی سکرات مرگ را دوم گرسنه وفات
یابد که اگر جمیع طعامهای دنیا را در حلق او ریزند سیر نشود
سیم تشنگی او کم نشود همچنان تشنه بمیرد اما آن سه که در گور

باشد اول دایم با درد و غم بود تا روز قیامت دوم گور بر وی
تاریک بود تا روز قیامت سیم او را عذاب بود تا بروز قیامت اما
آن سه که در روز قیامت بوی رسد اول آنکه حساب بر وی دشوار
بود دوم خدا تعالی دشمن او بود سیم او را خدا تعالی محشور کند مثل چون
چهار دست پای برانگیزانند چنانکه در عرصات همه خلق با و نگرند و بعد از آن
او را در دوزخ برند والله اعلم بیت و امشب مده آنکه بی نماز است
کو چه دهنش غنا فقر بادست کو فرض خدا نمی گذارد و نه قرض تو نیز غم
ندارد دیگر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ومن تبسم فی وجه تارک الصلوة
فکانما هدم البیت المعمور سبع مرات فکانما قتل الف ملکا من ملائکة
المقربین و الانبیاء المرسلین یعنی هر که بخندد در روی بی نماز پس
چنان است که خراب کرده باشد بیت المعمور را هفت مرتبه و چنان
بود که هزار فرشته را از فرشتگان مقرب و پیغمبران مرسل را بقتل آورده
باشد دیگر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که لا حظ له فی الاسلام یعنی نیست بهره

او را

او را از مسلمانی دیگر رسول علیه السلام فرمود که و من احرق سبعین
مصحفا و قتل سبعین نبیا و زنا مع امه سبعین مرة اقتض سبعین بکرا
بطریق الزنا فهو اقرب الی رحمة الله تعالی ممن ترک الصلوة متعمدا رسول
فرمود آنکس که هفتاد بار مصحف را سوخته باشد و هفتاد پیغمبر را کشته
باشد و هفتاد بار با مادر خود زنا کرده باشد و با هفتاد دختر بکر
زنا کرده باشد او را برحمت و آمرزش خدا تعالی نزدیک تر و سزاوارتر
بود از آنکه ترک کند نماز را بقصد و عمدا آنکه دیگر رسول علیه السلام
فرمود که و من اعان تارک الصلوة بلقمة او کسوة فکانما قتل سبعین
نبیا اولهم آدم علیه السلام و آخرهم محمد صلی الله علیه وسلم یعنی هر که یاری دهد ترک کننده
نماز را بیک لقمه یا بیک پوشش چنان بود که هفتاد پیغمبر را قتل کرده
باشد که اول ایشان آدم علیه السلام باشد و آخر ایشان محمد صلی الله علیه وسلم باشد
بیت بی نماز و بت پرست این هر دو اند دوزخ اند دم سگ کشتی
بهتر بود از ریش مرد بی نماز   بی نمازی بد ترست صد بار از کژدم

در شریعت جایز آمد کشتن هر بی نماز   کر تو نکذاری نماز و روز و شب
نان میدهی جای تو دوزخ بود کز آنکه هستی بی نماز دیکر رسول ع م
فرمود که لکل شیئ آفة وآفة الدین تارك الصلوة یعنی هر چیزیرا آفتی
هست وآفت دین بی نمازیست دیکر رسول علیه السلام فرمود که من
ترك الصلوة متعمدا فقد کفر یعنی هر که ترك کند نماز را و ترك نماز
جایز داند بقصد بدرستی که کافر کردد و دیکر پیغمبر علیه السلام فرمود
که العهد بیننا وبینهم الصلوة فمن ترك فقد کفر یعنی آن عهد که میانه
من و مومنان است نماز است پس هر که ترك کند بدرستی که کافر میشود
بیت مکن قصد ترك نماز ای پسر   که کافر شوی از جهودان بتر
و کر سهو نسیان بود ترك تو   قضا کن چو یاد آمدت زود تر دیکر
رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ومن اخرج الصلوة عن وقتها او یترك
فقد حبس علی الصراط ثمانون حقبا کل حقب ثلث مئة وستون
یوما وکل یوم کعمر الدنیا من اولها الی آخرها یعنی هر که نماز را از وقت

بیرون

بیرون برد در وقت ادا نکند یا ترك کند نماز را باز دارند او را بر پل
صراط هشتاد حقبه که هر حقبهٔ سیصد و شصت روز باشد که
هر روز مثل عمر دنیا از اول تا آخر دیکر رسول علیه السلام فرمود که
من ترك الصلوة متعمدا بقی فی النار ثمانین حقبا یعنی هر که یک نماز را دانسته
ترك کند هشتاد حقبه در آتش دوزخ بماند که شش هزار و چهارصد
سال باشد دیکر رسول علیه السلام فرمود که ان تارك الصلوة لا یجد
ریح الجنة یعنی ترك کنندهٔ نماز بوی بهشت نیابد دیکر رسول علیه السلام
فرمود که الصلوة عماد الدین فمن اقامها فقد اقام الدین ومن
ترکها فقد هدم الدین یعنی نماز ستون دین است پس هر که نماز را
برپای دارد دین خود را برپای داشته باشد و هر که ترك کند نماز
پس بتحقیق خراب کرده باشد دین خود را بیت کر تو میداری نماز
خود بر پا   دین خود را داشتی قایم بجا   زانکه دینت را ستون
آمد نماز   خوانده دین بی ستون بنود روا   دیکر رسول علیه السلام

فرمود که ومن ترک الصلوة الفجر تبرا منه الایمان ومن ترک صلوة الظهر
تبرا منه الانبیاء ومن ترک صلوة العصر تبرا منه الملائکة ومن ترک صلوة
المغرب تبرا منه الملائکة المقربین ومن ترک صلوة العشاء تبرا منه
الرحمن یعنی هرکه ترک کند نماز بامداد را بیزار شود از ایمان و هرکه ترک
کند نماز پیشین را بیزار شود از قرآن و هرکه ترک کند نماز دیگر را
بیزار شود از پیغمبران علیهم السلام و هرکه ترک کند نماز شام را بیزار
شود از فرشتگان مقرب و هرکه ترک کند نماز خفتن را بیزار شود
از خدای تعالی دیگر رسول علیه السلام فرمود که اول ما یحاسب به
الانسان الصلوة فان قبلت قبلت ما سویها وان ردت ردت ما سویها
یعنی اول حساب کننده آدمی را در قیامت نماز خواهد بود پس اگر
نماز قبول شود آنچه غیر نماز بود قبول افتد و اگر نماز را رد کنند آنچه غیر
کرده باشد از حسنات رد کرده شود پس معلوم شد که هیچ خیرات
و حسنات نزد حضرت عز وجل بی نماز قبول نیست بیت روز محشر

که جان گداز بود اولین پرسش از نماز بود پس مکن در نمازها
تقصیر تا در آن روز باشدت توفیر باب سیوم در بیان مانع
زکوة قال الله تبارک وتعالی ولا تحسبن الذین یبخلون بما آتاهم
الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شر لهم سیطوقون به یوم
القیمة ما بخلوا یعنی مپندارید که اینها بخیلی میکنند در زکوة دیگر
خدای تعالی میفرماید که الذین یکنزون الذهب والفضة ولا
ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم یعنی چنان باشد کسان که
گنج می نهید از برای زر سرخ و نقره و نفقه نمیکنند در راه خدای تعالی
یعنی زکوة مال نمیدهید بشارت باد شما را عذاب دردناک روز
قیامت گرم گردانند آن زر و نقره را در آتش دوزخ و داغ کنند
پیشانیهای ایشان را و پهلوهای ایشان را و پشتهای ایشان را و گویند که این
گنجهای شماست که زکوة نداده بودید در دار دنیا دیگر رسول علیه السلام
فرمود که هرکسرا خدای تعالی مال داد و او ادا نکند زکوة آن مال را و آن مال را

بمثل مار بغدك سیاه وسفید کرداتند ودر کردن او اندازند و چون
طوق واین مار بکیرد کنار دهان او امید درد و کوید که من مال
و کنج نهانی توام که در دنیا زکوة ندادی دیکر رسول علیه السلام فرمود
که الزکوة قنطرة الاسلام یعنی زکوة پل مسلمانی بود هر که زکوة مال ند هد
در شهر اسلام نتواند در آمدن دیکر رسول علیه السلام فرمود کلا یقبل
الله تعالی صلوة رجل لا یؤدی حق ماله یعنی قبول نکند خدا تعالی نماز
مردیرا که زکوة مال خود ادا نکند دیکر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که لا ایمان
لمن لا صلوة له ولمن لا زکوة له یعنی نیست ایمان مرانکسرا که نیست
نماز مراو را و نیست زکوة دیکر رسول علیه السلام فرمود که لا ینقص
مال من الزکوة یعنی کم نشود مال بدادن زکوة **بیت** اکر مال داری
زکواتش بده یکی کنج در آخرت تو بنه که هرکز نکردد از آن مال کم
بیفزاید باغ و بوستان وده دیکر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ما اهلک
مال فی البر ولا فی البحر الا بمنع الزکوة یعنی تلف نشود مال نه در دریا و نه در بیابان
وندر

وند در دریا مکر بمنع زکوة دیکر رسول علیه السلام فرمود که حصنوا
اموالکم بالزکوة وداووا امراضکم بالصدقة یعنی حصار رسانید مالهای
خود را بزکوة و دوا کنید بیماریهای خود را بصدقه دادن **بیت** مال اکر
خواهی بماند بیشمار روز زکواتش ده که آید بحساب نه برد دزد و
نه تاراج کنند در امان باشد بفضل کردکار دیکر رسول علیه السلام
فرمود در بیان مانع زکوة فطر ومن صام ولم یخرج زکوة الفطر
کمن لا صام له یعنی هر که روزه دارد و بیرون نکند زکوة فطر را
چنان بود که روزه نداشته باشد دیکر رسول علیه السلام فرمود که
ان اتمام الصوم باعطاء الفطر یعنی تمام شدن و فضل و کمال یافتن
روزه بدادن زکوة فطر است دیکر رسول علیه السلام فرمود که صوم شهر
رمضان معلق بین السماء والارض لا یرفع الا بزکوة الفطر
یعنی روزه ماه رمضان آویخته است میانه آسمان و زمین و بالا
نرود مکر بدادن زکوة فطر دیکر خدا تعالی میفرماید که قد افلح

مَنْ تَزَکّیٰ معنی چنان باشد بدبختی که رستگاری یافت هر کس که
بیرون کردن زکوة فطر را و روزه دار رستگاری نیابد تا بیرون
نکند زکوة فطر را و بمستحق نرساند **بیت** زکوة سر تا بده ای
عزیز اگر هست امیدت بجای نیز که صوم تو مقبول باشد
تمام بقول نبی سید باطهر **باب چهارم** در بیان خمر خواره گان
و اهل بنج و قمار و این باب مبنی است بر سه فصل **فصل** اول در
بیان شرابخواره گان خدا تعالی در کلام مجید خود میفرماید که یا ایها
الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَیْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ
مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ یعنی ای کسان
که ایمان آورده اید بدرستی که خمر و قمار و انصاب و ازلام پلیدات
و از عمل شیطان است پس بپرهیز کنید شما شاید که رستگاری یابید
دیگر رسول علیه السلام فرمود که شارب الخمر کعابد الوثن
یعنی خمر نوشنده چون پرستنده بت بود دیگر رسول علیه السلام
فرمود

فرمود که و ما من رجل یشرب الخمر الا سقاه الله تعالی یوم القیامة من الحمیم
مثل ما یشرب من الخمر یعنی نیست هیچ مردی که بخورد شراب الا مگر که بچشانند
او را روز قیامت از زرداب دوزخ ده مقدار آنچه خورده باشد از شراب
دیگر رسول علیه السلام فرمود که الخمر جماع الاثم و ام الخبائث یعنی
خمر اصل همه گناهان است و مادر همه پلیدیها است قال النبی علیه السلام
ان الله لعن الخمر و عاصرها و معتصرها و مشتریها و حاملها و المحمول
الیها و شاربها و آکل ثمنها دیگر رسول علیه السلام فرمود که الخمر
مفتاح کل شر یعنی بدرستی که خمر کلید همه بدیها است دیگر رسول علیه السلام
فرمود که من طعم شارب الخمر لقمة سلطه الله علیه حیات
و عقاب و اطعمه الله تعالی من صدید جهنم یعنی آن کسانکه بدهند
شراب خواره را لقمهٔ مسلط کرداند خدا تعالی برو ماران و کژدمان
و طعام دهنده را خدا تعالی از زرداب دوزخ دیگر رسول علیه السلام
فرمود که من سلم شارب الخمر او صافحه او عانقه احبط

عمل اربعین سنة یعنی هرکه سلام کند بر خمرخواره یا مصافحه کند
یا دست در کردن او کند خدا تعالی عمل چهل ساله او را ناچیز کرداند
دیگر رسول علیه السلام فرمود که هرکه خمر بخورد در وی شب نظر رحمت
نکند خدا تعالی با او تا صبح و هرکه روز خمر خورد خدا تعالی با او نظر
نکند تا شب تا مست بود توبهٔ او را قبول نکند و خدا تعالی تا چهل
روز دعای او را قبول نکند اگر در آن مستی وفات کند وفات او
چون بت پرستان بود نعوذ بالله منها دیگر رسول علیه السلام فرمود
ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا یجلس علی مائدة یدار
علیه الخمر یعنی هرکس باشد مؤمن بخدای و بروز پسین یعنی روز
قیامت باید که ننشیند بر خوانی که گردانند بران خوان خمر را
دیگر رسول علیه السلام فرمود که در دوزخ وادی هست بدان
گرمی و هیبت که هر روز هفتاد هزار بار اهل دوزخ از گرمی او
بفریاد آیند و بنالند و در وادی خوانه هست از آتش دوزخ و در آن

خوانه چاه بود از آتش و در آن چاه تابوت بود از آتش و در آن تابوت
مار بود از آتش که او را هزار سر باشد و بر هر سری هزار دهان باشد
و بر هر دهان صد هزار دندان باشد و بر هر دندان صد هزار سبوی
زهر باشد صحابه گفتند یا رسول الله این عذاب کدام طایفه را باشد
رسول گفت خمر خواران را دیگر رسول علیه السلام فرمود که هرکه حاجت
خمرخواره را بر آرد چنان بود که یاری داده باشد بر خرابی اسلام
و هرکه او را قرض دهد چنان بود که یاری کرده باشد بقتل برادر مؤمن
و هرکه خمر خورد با آن دختر مدهید اگر بیمار شود به پرسیدن او مروید
دیگر رسول علیه السلام فرمود که عروس الشیطان السکران والنایحة
یعنی مستی و نوحه کردن شیطان باشند و از زبان ایشان خون
و ریم روان باشد چنانکه اهل عرصات از بوی دهان ایشان
بفریاد آیند پس رسول علیه السلام فرمود که سلام بر خمرخواره مکنید
و چون بیمار شود به پرسیدن او مروید و چون وفات کند بروی

صلوة وسلام مکنید که خمر خوار چون بت پرست است و نیز
در روایت صحیح آمده است که روز جمعی از صحابه از امیر المؤمنین علی رضی
سوال کردن که ای امیر مؤمنان تا چه غایت از خمر پرهیز باید کرد حضرت
امیر فرمودند که ای مؤمنان اگر چنانچه یک قطره خمر در چاه افتد
وآن چاه پر خاک شود و هزار سال بر وی بگذرد و بعد از آن از سر
چاه علف بروید وآن علف را گوسفند بخورد و در میان رمهٔ
گوسفندان روح من گوشت آن رمه را نخورم واگر یک قطار شتر
که اول او در مشرق وآخر آن در مغرب و بران شتر یکی خمر
بار بود من مهار شتر اول بدست نگیرم دیگر رسول علیه السلام
فرمود که ومن شرب الخمر في الدنيا لم يشرب في الآخرة من الكوثر
الا من تاب ومات على التوبة يعني هر که بخورد خمر در دنیا
نخورد در آخرة از حوض کوثر مگر آنکه توبه کند و بران توبه بمیرد
بیت نخورد خمر که خود پلید آمده است همه بد از آن خود پدید آمده است

که هر کی بدنیا خورد خمر او بعقبی ز کوثر بدور آمده است باب دویم
در بیان بنج واهل آن رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که ومن اکل لقمة من
البنج فكأنما زنى مع امه سبعين مرة ومن زنا مع امه مرة واحدة
فكأنما هدم الكعبة سبعين مرة يعني هر کس که یک لقمه از بنج بخورد یا یک
دود بکند چنان بود که بمادر خود هفتاد بار زنا کرده باشد و هر که
یک بار با مادر خود زنا کند پس چنان باشد که هفتاد بار خانهٔ کعبه را
خراب کرده باشد و دیگر رسول علیه السلام فرمود که ومن اکل البنج ومات
على هذا يحشر يوم القيمة مكتوب بين يديه هذا آيس من رحمة الله
یعنی هر که بنج خورد و بمیرد برانند از او روز قیامت نوشته باشد بر
پیشانی او بخط سیاه که این شخص نومید است از رحمت خدایتعالی و بعضی
مفسران گفته اند که شجرهٔ ملعونه که خدایتعالی در قرآن یاد کرده است
بنج است دیگر رسول علیه السلام فرمود که پرهیز از خاشاک که آن
بنگ بود بدرستی و راستی که حیا را برباید از چشم مردمان وایمان را نیز

یادگاری عبد القادر

بربايد در وقت مرگ نعوذ بالله منها بيت بر پرهيز از بنگ
كان شد حرام حيا هم ز چشمت ربايد تمام بهفتاد بار هم برابر بود
بمادر زنا كردن اى بنگ نام فصل سيم در بيان قمار و شطرنج رسول عم
فرموده كه ومن لعب بالنرد والشطرنج فكانما غمس يده في دم الخنزير
يعنى هر كه نرد يا شطرنج بر بازد چنان بود كه دست خود را بخون خوك
آلوده كرده باشد ديگر رسول عليه السلام فرموده كه ما نهيكم عن
ذكر الله فهو حرام يعنى هر چه شما را مشغول كند و باز دارد از ذكر
خداى تعالى حرام بود و قمار و نرد و شطرنج ازين فعلهاست ديگر
رسول عليه السلام فرموده كه لا يدخل الملائكة بيتا فيه خمر او دف
او طنبور او نرد و لا يستجاب دعاهم و رفع الله تعالى عنهم
البركة يعنى در نيايد ملائكه در ان خانه كه شراب يا دف يا طنبور
يا نرد باشد و مستجاب نشود دعاء اهل آن خانه و بر دارد
خداى تعالى از ايشان بركت را بيت شطرنج و قمار و نرد كار شيطان

ميدان

ميدان و بر پرهيز بقول رحمان زيرا كه حرامست پليدست وى
واند كو خداى باندازد ميدان باب در بيان صفت اهل بهشت
و دوزخ و اهل ها و اين باب مبنى بود بر دو فصل فصل اول در
صفت بهشت و اهل آن خداى تعالى در كلام مجيد خود ميفرمايد كه
مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا
يعنى اهل بهشت نه بينند گرمى و نه سرماى سخت رسول عليه السلام
فرموده كه نعمت باشد كه هرگز آخر نشود و جامهٔ او كهنه نشود
و هرگز پير نشود صحابه گفتند يا رسول الله خداى تعالى بناء بهشت
بچه كرد رسول عليه السلام گفت يك خشت از زر سرخ و يكى از نقره
از نقره و مدار او از مشك خوش بود و خاك او زعفران بود و ريگ
او لؤلؤ و مرجان و ياقوت بود ديگر رسول عليه السلام فرموده
بدرستى كه اهل بهشت خورند و آشامند و ايشان را بول و غايط
نبود و آب منى نباشد مثل عرق از ايشان آب بيرون آيد كه هزار

باز از مشك خوشبوی تر باشد دیگر رسول علیه السلام فرمود

که شب معراج در بهشت کوشك دیدم از یاقوت سرخ وانرا در

بود از یاقوت سرخ وانرا چهار رکن بود از رکنی تا برکن چندان راه

بود که از مشرق تا مغرب دیگر رسول علیه السلام فرمود که درآمدم

و دران کشتم و دران چهار جوی دیدم یکی از آب و یکی از عسل و یکی از

خمر و یکی از شیر و در بهشت درختهای بسیار که اصل او درختها از

زر سرخ بود و برك او از حلهای بهشت و بر هر برك نوشته بود که لا

اله الا الله محمد الرسول الله دیگر خدا تعالی میفرماید که مَثَلُ الْجَنَّةِ

الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ

لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ یعنی بهشت

که وعده کرده ایم و آماده است پرهیزکارانرا و دران بهشت جوها

بود از آب و جوها بود از عسل مصفی و جوها از شیر که هرگز

متغیر نشود و جوها بود از خمر و پاك از برای ایشان باشد

درانجا

درانجا از هر میوه که خاطر ایشان خواهد و آمرزش بود ایشانرا

درانجا از پروردگار ایشان **بیت** جنت الفردوس را دان ای پسر

حق تعالی آفریده اندرو در قصرها از لعل و یاقوت اندران

خاك او کافور و دیگر از کهر از برای مؤمنان متقی هست قول

سید خیر البشر **فصل دویم** در بیان صفت دوزخ و اهل آن

خدا تعالی میفرماید که اِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ

ابواب لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ یعنی بدرستی که دوزخ

جایگاه و مقام کافرانست که انجا جمع شود و دوزخ را هفت

درست که در هر در طایفهٔ معین درآورند و بر هر در هفتاد هزار

سراپرده است از آتش و در هر سراپردهٔ هفتاد هزار کنبد است از آتش

و بر هر کنبد هفتاد هزار شهر است از آتش و در هر شهر هفتاد هزار

کژدم است و بر هر کژدم هفتاد هزار سر است و بر هر سر هفتاد هزار دهن

و بر هر دهن هفتاد هزار دندانست و بر هر دندان هفتاد هزار

سبوی نهر است و بر هر در دوزخ هفتاد هزار فرشته است که آتش
دوزخ را می‌افروزند و در خبر حضرت موسی عم آورده‌اند که خدای تعالی
فرمود که ای موسی عم دوزخ را هفت طبقه آفریدم و در هر طبقهٔ
هفتاد هزار وادی است و در هر وادی هفتاد هزار شهر است و در هر
شهر هفتاد هزار کوشک است و در هر کوشک هفتاد هزار تابوت است
که درازی و پهنای آن تابوتها هفت برابر دنیا است و در هر تابوت
هفتاد هزار کژدم است و هفتاد هزار مار است و هر کژدم به بزرگی
کوه طور است و هر مار به بزرگی کوه احد ای موسی اگر مشرکان را
و غافلان را و بخیلان را و دیگران را و ربواخواران را و خمرخواران را
و سخن‌چینان را جمع کنم و در آن خانها در آرم و مسلط گردانیم
بر ایشان آن ماران و کژدمان را تا بخورند ایشان را تا بدانند که
کتابهای من بحق بوده و پیغمبران من بحق بوده بار دیگر خدای تعالی
خطاب کرد که ای موسی میخواهی که صفت دوزخ بتو بگویم موسی عم
گفت

گفت آری ای پروردگار من جواب آمد که ای موسی دوزخ را هفت
طبقه آفریدم بر زبر یکدیگر کرا کو چنانچه هفت آسمان و زمین را
در یک طبقهٔ دوزخ در آورند چنان بود که انگشترین در دریای
محیط انداخته باشند دیگر خطاب کرد که ای موسی اگر بفرمایم
که یک شخص از دوزخ بیرون آید و در مشرق بایستد تمام اهل مغرب
از گرمی آتش او بمیرند و بسوزند ای موسی عم حال دوزخ از هزار یکی
پیش نیست که با تو در میان آوردم و در روایتی صحیح آمده است که
رسول علیه السلام فرمود که شب معراج خدای تعالی دوزخ را بر من
عرض کرد جمع از فرشتگان را دیدم که زبانیهٔ دوزخ خوانند ایشان را
سخت با هیبت و ازرق چشم و هر یکی گرز آتش در دست بود که اهل
دوزخ را عذاب سخت میکردند و قومی را دیدم چشمها بیرون میکردند
و عورتان را دیدم بعضی از پستانها و مویها آویخته بودند و بعض زبانها
از قفا بیرون کرده بودند و بعض را غلهای آتشین بر گردن نهاده

بودن روایتست از پیغمبر صلی الله علیه وسلم که فرمود از جبرئیل علیه السلام پرسیدم که احوال
دوزخ را با من بگوی در جواب من گفت که ای محمد صلی الله علیه وسلم بدانکه خدای تعالی
ترا براستی بخلق فرستاده است که اگر آتش دوزخ یک ذره بر زمین افتد هرچه
در زمین باشد بسوزد و اگر از آن آب که برای دوزخیان آفریده شده
یک قطره بر زمین چکد جمله طعامها و شرابها تلخ شود و اگر از جامهای
دوزخیان یکی در میان زمین و آسمان بیاویزند همه اهل زمین و آسمان
از بوی ناخوش او بمیرند بیت دوزخ پر مار سوزان آفریده از برای
کافر زشت پلید هم برای فاسقان عاصان اندران باشد عذاب
بس شدید **باب ششم** دربیان چیزهای که خدای تعالی امر کرده است
بعض قولی و بعض فعلی و معرفت خدای جل جلاله واجب و لازم کرده اند
چنانچه فرموده که ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون یعنی نیافریدم
پری و آدمی را از برای هیچ چیزی مگر اینکه مرا بپرستند یعنی بشناسند
اگرچه کمال معرفت او حاصل نمیشود اما انا تا در قدرت او می باید کرد

چنانچه

چنانچه رسول علیه السلام فرمود که لا تتفکروا فی الخالق یعنی فکر و اندیشه
در کنه حقیقة الله تعالی نکنید اما اعتبار از صفات و مصنوعات او
برگیرد بیت ای عقل بپرده سوی ادراک تو راه علم تو بود ز سر فطرت
آگاه هر تشنه بر انتفاء قهر تو دلیل هر ذره در انتظار لطف تو گواه
دیگر تصدیق کردن محمد صلی الله علیه وسلم باور داشتن آنچه امر و نهی کرده چنانچه
در کلام مجید خود میفرماید وما آتیکم الرسول فخذوه وما
نهیکم فانتهوا عنه یعنی آنچه از رسول علیه السلام بشما رسد از امر کردن
یعنی بدان کار کنید و آنچه شما را نهی کند و باز دارد باز ایستید و ترک او
کار کنید دیگر با شیطان دشمنی کردن چنانچه فرمود قوله تعالی ان الشیطان
لکم عدو فاتخذوه عدوا یعنی بدرستی که شیطان دشمن شماست
با وی دشمنی کنید و دیگر برای وضو ساختن نماز چنانچه فرمود
قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم
وایدیکم الی المرافق وامسحوا برءوسکم وارجلکم الی الکعبین

روز محشر که گداز بود   اولین پرسش از نماز بود   بقلم عبدالقادر گذره

یعنی آن کسانکه ایمان آورده اید بخدا و رسول هرگاه برخیزید برای
نماز پس بشویید روهای خودرا و دستهای خودرا تا مرفق و مسح کنید
سرهای خودرا و بشویید پاهای خودرا تا کعب و دیگر برای غسل جنابت
فرمود که فَاِنْ کُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا یعنی چون شما را جنابت رسد پس
نیک پاک کنید خودرا و دیگر برای نماز گذاردن فرمود که اِنَّ الصَّلوٰةَ
کَانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِیْنَ کِتَابًا مَوْقُوتًا یعنی بدرستی که نماز گذاردن فرض است
بر مؤمنان و نماز در وقتهای معین که بامداد و پیشین و عصر و شام
و خفتن است دیگر برای زکوة مال دادن چنانچه فرمود که اَقِیْمُوا الصَّلوٰةَ
وَاٰتُوا الزَّکوٰةَ یعنی برپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و دیگر
برای زیارت کردن خانه کعبه اگر توانایی باشد که وَلِلّٰهِ عَلَی النَّاسِ
حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَیْهِ سَبِیْلًا یعنی خدایراست بر مردمان
قصد زیارت خانه کعبه کسیرا که توانایی باشد بزاد و راحله و دیگر
رسول علیه السلام فرمود که یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَیْکُمُ

الحج

اَلْحَجَّ فَحُجُّوا یعنی ای مردمان که ایمان آورده اید بدرستی که خدا تعالی
فریضه کرده اند بر شما زیارت خانه کعبه را پس زیارت کنید دیگر
رسول علیه السلام فرمود که یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیَامُ
کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ یعنی آن کسانکه ایمان
آورده اید بخدای و رسول نوشته و فریضه شده است بر شما روزه داشتن
چنانچه نوشته و فریضه شده بر آنکسانکه پیشتر از شما بودند شاید که
بپرهیزید شما و رنج شمرده شده است و دیگر جهاد کردن چنانچه
فرمود که اُقْتُلُوا الْمُشْرِکِیْنَ حَیْثُ وَجَدْتُمُوْهُمْ یعنی بکشید
مشرکانرا و کافرانرا کنید هر جا که یابید ایشانرا و جای دیگر
فرمود که یا اَیُّهَا النَّبِیُّ جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِیْنَ یعنی ای پیغمبر
عَلَیْهِ السَّلَامُ جهاد کنید با کفار و با منافقان دیگر راست گفتن
چنانچه فرمود که فَاِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا یعنی چون سخن گویند راست
گویید دیگر رسول علیه السلام فرمود که عَلَیْکُمْ بِالصِّدْقِ

یعنی بر شما باد که سخن راست گویید دیگر چشم را نگاه داشتن چنانچه
قوله تعالی قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظُونَ فُرُوجَهُمْ
یعنی ای محمد صلی الله علیه وسلم بگو مؤمنان را که چشم نگاه دارید و بجای که نباید
نگریستن منگرید یعنی بزن و فرزند مؤمنان و از معاصی بپرهیزید
دیگر رسول علیه السلام فرمود که زناء العینین النظر الی الحرام یعنی
زناء چشم نظر کردن است بحرام دیگر چشم و گوش و دل را نگاه
داشتن چنانچه فرمود که إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ
كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا یعنی بدرستی که گوش و چشم و دل را سوال
کنند که چرا چیز شنیدی که خدای تعالی بدان راضی نبود و چرا بدل
اندیشه بد کردی و چرا بحرام نگریستی دیگر از حلال خوردن
چنانچه فرمود كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ یعنی بخورید از حلال
پاک آنچه روزی دادیم شما را دیگر رسول علیه السلام فرمود که
طلب الحلال فریضة یعنی طلب کردن لقمه و پوشش حلال فرض است

دیگر

دیگر توکل کردن بر خدای تعالی چنانچه فرمود تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي
لَا يَمُوتُ یعنی توکل کنید بر خدای تعالی که زنده است و مرگ بر وی
روا نیست و کافی است بهمه کارهای دین و دنیا دیگر رضا دادن
بحکم خدای تعالی و صبر کردن چنانچه فرمود که فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ
یعنی صبر کن بآنچه خدای تعالی حکم کرده است و گفته رضای او طلب کن
دیگر نعمتهای خدای تعالی را شکر کردن چنانچه فرمود که كُلُوا مِنْ رِزْقِ
رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ یعنی بخورید از روزی پروردگار خود و شکر
نعمت کنید دیگر صبر کردن در بلا چنانچه فرمود که اصْبِرُوا وَصَابِرُوا
یعنی صبر کنید و صابر باشید بر غم و المی که بشما رسد از طرف خدای تعالی
و جای دیگر فرمود که فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ
یعنی صبر کنید چنانکه صبر کردند پیغمبران علیهم السلام دیگر پیغمبر علیه السلام
میفرماید که خدای تعالی فرمود وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَشْكُرْ عَلَى
نَعْمَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَائِي یعنی هر که راضی

نشود بحکم من و شکر نکند بر نعمتهای من و صبر نکند بر بلای من
پس بگوی طلب کند پروردگار غیر از من **بیت** انکه راضی نیست
با حکم قضا یا نباشد حکم او اندر وفا یا که صبرش نیست نزدیک
بلا گو بجو پروردگار جز آله دیگر توبه کردن قوله تعالی تُوبُوا اِلَی الله
تَوبَةً جَمِیعًا یعنی توبه کنید و بخدا یتعالی باز گردید و فرمان او بجا
آرید چنانکه بسر او گناه نروید دیگر رسول علیه السلام فرمود
که عَجِّلوا بالصلوة قبل الفوت وعجّلوا بالتوبة قبل الموت یعنی بشتابید
نماز پیش از فوت شدن و بشتابید بتوبه کردن پیش از مرگ و دیگر
کارها را بمشورت و به نیت کردن چنانچه فرمود که قُل کُلٌّ یَعمَلُ عَلی
شاکِلَتِهِ یعنی بگوی ای محمد صلی الله علیه وسلم که همه عمل که میکنند به نیت
پیوسته هست پس بران باشد که همه بطاعت و خیر بود و معصیت
نبود چنانچه رسول علیه السلام فرمود که الاعمال بالنیات یعنی
عملهای شما وابسته بر نیت هست دیگر طاعتها و کارها با خلاص کردن

چنانچه

چنانچه فرمود قوله تعالی وَمَا اُمِرُوا اِلّا لِیَعبُدُوا اللهَ مُخلِصِینَ لَهُ
الدِّینَ حُنَفَاءَ یعنی نفرمودیم شما را مگر اینکه بپرستید خدا را
با خلاص دیگر رسول علیه السلام فرمود که فانّ العبد ینجو بالاخلاص
یعنی بر شما باد که کارها با خلاص کنید بدرستی که بنده با خلاص رستگار
و نجات یابد چنین گفت رسول امین که اخلاص اندر عملها گزین
که بنده با خلاص نجات یابد چون باشد نیکو محض و پاک دین دیگر
امانت را بخدا یتعالی رسانیدن چنانچه فرمود اِنَّ یَأمُرُکُم اَن تُؤَدُّوا
الاَمَانَاتِ اِلَی اَهلِهَا یعنی خدا یتعالی فرموده است شما را که برسانید و ادا
کنید امانت را بصاحب او دیگر با برادران برفق و مواسا زندگانی
کردن چنانچه فرمود که اِنَّمَا المؤمِنُونَ اِخوَةٌ فَاَصلِحُوا
بَینَ اَخَوَیکُم یعنی بدرستی که مؤمنان برادران شمایند پس صلح کنید
میانه برادران شما طلب کردن علم چنانچه در اول کتاب یاد کردیم
دیگر کارها را بحجت کردن چنانچه قوله تعالی قُل هَاتُوا بُرهَانَکُم

إن كنتم صادقين يعني بگوی ای محمد صلى الله عليه وسلم بیارید حجتهای خود را
اگر شما راست گویانید یعنی باید که فردا در قیامت سوال بحق خداوند را
حجت باصواب باشد تا از جمله راست گویان باشید دیگر امر معروف
ونهی از منکر چنانکه فرموده است که وأمر بالمعروف وانه عن المنكر
یعنی ای محمد صلى الله عليه وسلم بفرمای مردمان را بر نیکوی و باز دار ایشان را از معاصی
دیگر مرگ را آراسته دارید چنانچه فرموده که قل یتوفیکم ملک
الموت الذي وكل بكم يعني بگوی ای محمد صلى الله عليه وسلم که مرگ را آراسته
دارید شما که ملک الموت موکل است بر شما تا از کدام سوی شهر درآید و شما را
بکدام جانب برد بیت بجا آر فرمان حق ای پسر اگر خوف داری ز نار سقر
ز فرمان وی وز مرگ غافل مشو که ناگه رسولت درآید ز در باب هفتم
در بیان چیزهای که خدا تعالی نهی کرده است بعض قول و بعض فعلی
و این باب مبنی است بر دو فصل فصل اول از شرک آوردن بخدا تعالی
چنانچه فرموده ومن یشرک بالله فقد حرم علیه الجنة یعنی هر که شرک
آرد

آرد بخدا تعالی حرام کرد بروی بوی بهشت وجاوید در دوزخ باشد
و دیگر از مرتد شدن چنانکه فرموده قوله تعالی ومن یرتدد منکم عن
دینه فیمت وهو کافر یعنی هر که مرتد از شمایان چون بمیرد کافر باشد
وجای او در دوزخ باشد و دیگر از خون ناحق کردن چنانچه فرموده
قوله تعالی یا ایها الذین امنوا لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق
یعنی انکسانکه ایمان آورده اید بخدا و رسول قصد کشتن کسی مکنید
که حرام کرده است خدا تعالی بر شما کشتن کسی را مگر بحق و دیگر از زنا کردن
چنانچه فرموده ولا تقربوا الزنا انه كان فاحشة وساء سبيلا
یعنی نزدیک زنا مگردید که زنا نافرمانی بزرگ است و بی حرمتی قوی
در شریعت محمد مصطفی صلى الله عليه وسلم دیگر از ربا خوردن چنانچه فرموده
که وذروا ما بقي من الربوا ان كنتم مؤمنين يعني ترك از ربا خوردن
و ربا دادن کنید و دیگر از مال یکدیگر را بباطل خوردن ولا تأكلوا
اموالكم بالباطل يعني مخورید مالهای یکدیگر را میان یکدیگر بباطل

وناحق دیگر از خمر خوردن چنانچه در اول کتاب یاد شد دیگر از فساد
کردن چنانچه فرمود که وَاللّٰهُ لَا یُحِبُّ الْفَسَادَ یعنی دوست نمیدارد
خدای تعالی فساد را ومشغول بفساد نباشی که برکت از عمر و نعمت شما
بردارد دیگر از خیانت کردن چنانچه فرمود که لَا تَخُونُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ
وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ یعنی خیانت مکنید بخدای
و رسول و نه بهیچ امانت و شما میدانید که خیانت زشتست
باید که دل و زبان نگاه دارد دیگر از غیبت کردن چنانچه فرمود
فرمود وَلَا یَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَیُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ
یَأْكُلَ لَحْمَ أَخِیهِ مَیْتًا یعنی غیبت مکنید بعض از شما بعضی را هر که
غیبت کند چنان باشد که گوشت برادر مسلمان را خورده باشد
و رسول علیه السلام فرمود که الغیبة اشد من الزنا یعنی
غیبت بدتر است از زنا دیگر ایذای مادر و پدر چنانچه یاد خواهم
کرد دیگر اسراف کردن چنانکه فرمود إِنَّ الْمُسْرِفِینَ هُمْ أَصْحَابُ
النَّارِ

النَّارِ یعنی اسراف مکنید در خوردن و جمع کردن و پنهان کردن مال که
مسرفان را جای در دوزخ باشد و دیگر از گمان بد بردن در حق برادر
مسلمان چنانچه فرمود که وَاجْتَنِبُوا كَثِیرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
إِثْمٌ یعنی پرهیز کنید بسیار از گمان بد بردن در حق مسلمانان بدرستی
که در بعض گمانها بهتان عظیم باشد و دیگر از افسوس داشتن در
حق مسلمانان چنانچه فرمود یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا یَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ
قَوْمٍ عَسَى أَنْ یَكُونُوا خَیْرًا مِنْهُمْ یعنی ای کسانکه ایمان آورده اید بخدا
و رسول پرهیز کنید از افسوس داشتن بر مسلمانان شاید که حال او
بهتر از تو باشد و دیگر از خواندن مردمان بلقب و نام زشت چنانچه
فرمود وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ یعنی مسلمانان را بلقب و نام زشت
مخوانید و نام بد کس منهید که فسق بود و فسق بدنامی تمام است
و دیگر از متابعت هوای نفس چنانچه فرمود که وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ
الْهَوَى فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوَى یعنی هر که باز دارد نفس خود را

از هوای او بهوای او کار نکند جای او بهشت باشد دیگر رسول علیه السلام
فرمود که الهوی ابغض اله فی الارض یعنی بدترین خلق خدا آن قومند
که در زمین هوای نفس می پرستند و دیگر ایمن بودن از عذاب خدای تعالی
چنانچه فرمود ولا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون یعنی ایمن
نیست از عذاب خدای تعالی مگر قوم که خاسر باشند و خاسران کافران
باشند و دیگر از رحمت خدای تعالی نا امید بودن چنانچه فرمود که لا
ییأس من روح الله الا القوم الکافرین یعنی نومید نباشد از
رحمت خدای تعالی مگر قوم که کافر باشند و دیگر از پیروی شیطان
چنانچه قوله تعالی ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو
مبین یعنی متابعت شیطان مکنید و بخدای تعالی عاصی مشوید که
شیطان دشمن شماست و دیگر از گواهی بدروغ پرهیز کنید چنانچه
فرمود که ولا تکتموا الشهادة ومن یکتمها فانه آثم قلبه یعنی هر که
بپوشاند گواهی را بدرستی که بزه کار شود و هر که گواهی بدروغ

دهد با بت پرست برابر بود بحکم حدیث پیغمبر صلی الله علیه وسلم شاهد الزور
کعابد الوثن یعنی شخص که گواهی بدروغ دهد چون بت پرست باشد
و جای دیگر فرموده است که لا یشهد الزور الا المنافق یعنی گواهی
بدروغ ندهد مگر منافق پس پرهیز واجب بود از گواهی بدروغ
و دیگر از دروغ گفتن چنانکه فرمود ویل یومئذ للمکذبین
یعنی قعر دوزخ جایگاه دروغ گویان باشد و دیگر رسول علیه السلام
فرمود که الکاذب عدو الله یعنی دروغ گوی دشمن خداست
و جای دیگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که لا کبیرة اکبر من الکذب الا
الشرک یعنی نیست هیچ گناه بزرگتر از دروغ مگر شرک آوردن
بخدای تعالی بیت چو از شرک بگذشت بدتر گناه میان کبایر دروغ است
تباه مگردان زبان دیگر بدروغ که باشد رخت در دو گیتی
سیاه فصل دویم در بیان ظالمان بدانکه خدای تعالی از ظالمان
غافل نیست چنانچه فرمود ولا تحسبن الله غافلا عما یعمل الظالمون

یعنی کمان مبرید که خدای تعالی غافل است از ظالمان و نیز خدای تعالی لعنت
کرده است ظالمان را چنانچه فرمود که الا لعنة الله علی الظالمین یعنی
بدانکه لعنت خدای تعالی بر ظالمان است یعنی از رحمت خدای تعالی دور باشند
ظالمان و فردا در قیامت ظالمان را بصورت زشت ترین برانگیزانند
چنانکه پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که انما یحشرون الظالمون یوم القیمة
علی صورة الذر یعنی بدرستی که ظالمان را برانگیزانند روز قیامت
بصورت خرس دیگر رسول علیه السلام فرمود که ومن سلم الظالم
اختیارا طار نور الایمان عنه لا یرجع اربعین یوما یعنی هر کس که
سلام کند ظالم را باختیار برود نور ایمان او و باز نیاید تا چهل روز
و نسل ظالم از دنیا زود منقطع شود بیت از ظلم شداد و
نمرود را نسل منقطع وز عدل مانده نام علی زنده در جهان
دیگر رسول علیه السلام فرمود که یوم المظلوم علی الظالم اشد
من یوم الظالم علی المظلوم یعنی روزی که داد از ظالم ستانند سخت
تر باشد

تر باشد از روزی که ظالم بر مظلوم کرده باشد و در روایة صحیح آمده است
که اگر شخصی را روز قیامت صواب هفتاد پیغمبر باشد و او را خصمی باشد
بر نیم حبه باز دارند او را و در بهشت راه ندهند تا خصم را خوشنود
نکرداند دیگر رسول علیه السلام فرمود که الظلم ظلمات یعنی ظلم تاریکی ایمان
بود روز قیامت دیگر امیر المؤمنین علی رضی الله عنه فرمود که ظلم
الظالم یقوده الی الهلاک یعنی ظلم ظالمان را بکشد بر هلاکت یعنی هر که
تکبر کند بر مردمان خوار شود در آخرة بیت چون یقین رفتنی
می باید بکود پس مکن بر هیچکس تو ظلم و زور زندگانی چنان
کن در جهان کز تو آزرده نکردد هیچ مور و دیگر امیر المؤمنین
علی رضی الله عنه فرمود که یوم العدل علی الظالم اشد من یوم
الجور علی المظلوم یعنی روزی که ظالم را بر وی عدل کنند سخت تر
و بدتر است از روزی که جور و ستم کرده باشد بر مظلوم رسول علیه السلام
فرمود که اکثر اهل النار المتکبرون یعنی بیشتر اهل دوزخ متکبران

باشند یعنی ظالمان پس بتحقیق باید دانست که هیچ گناه بدتر از ظلم
نیست **بیت** دوران ملک ظالمان فرمان قاطعش چندان رواه
بود که برآید دود دل او   هر کس بظلم خانهٔ مردم خراب کرد آباد
بعد ازان نبود خان و مان او **باب هشتم** در بیان آداب معلّم
با متعلّم و فرزندان با مادر و پدران و این باب مبنی است بر سه فصل
فصل اوّل در بیان عالم باید که بردبار و نیکو خوی باشد و
نشست و خواست او با حرمت و وقار باشد و آهسته و پیوسته
سر در پیش بود نه بر سبیل تکبّر و لکن بر سبیل هیبت و حرمت
و بر هیچ کس از خلق خدای تکبر نکند مگر بر ظالمان و کسی که اهل
تکبّر باشد زیرا که رسول علیه السلام فرمود که التکبّر مع
المتکبّرین عبادة یعنی تکبّر بر تکبّر کنندگان عبادت است و بر بازی
عادت نکند که هیبت او از دل شاگردان برود و با شاگردان

برفق

برفق زندگانی کند و چون شاگردان از وی سوال کنند یا کسی دیگر
با وی درشتی نکند و جواب ناصواب نگوید اگر در سوال وی خلل
باشد باصلاح آورد و بر وی خشم نگیرد و اگر جواب او نداند ننگ
ندارد از آنکه گوید که نمیدانم و شاگردان را بیاموزد از علم که او
سودمند شود و شاگرد را بر علم مشغول گرداند که سودمند بود
که او علم تقوی است که ظاهر او و هم باطن را از ناشایسته باز دارد
و ایشان را از دنیا باخرة خواند و از جهل بعلم خواند و از فساد بصلاح
خواند اما معلّمی کار پیغمبران و فرشتگان است و از رسول علیه السلام
روایت است که دوست ترین بندگان بحضرت حق سبحانه و تعالی
از پیغمبران و علما و شهیدان معلّمانند و بعد از مسجد هیچ جای
در روی زمین فاضلتر از مکتب خانه نیست که آنجا قران خوانند
و آموزند **بیت** بیاموز ای عالم باصفا   تو شاگرد را علم و
زهد و سخا   تو علم بخوانی که در آخرة   بیابی بهشت نعیم از خدا

فصل دوم در میان عالم و متعلم بدانکه ادب شاگرد آنست که استاد را
بنام نخواند چون اورا ببیند سلام کنند و بجای استاد نه در حضور و نه
در غیبت نه نشیند با ادب دو زانو نشیند و در پیش او نخندد و در وقت
سخن گفتن او آواز بلند نکند و در پیش او سخن کم گوید و مسئله نپرسد
تا از پیش او دستوری نخواهد و چون جواب دهد اعتراض نکند که خلاف
این است و در پیش وی با هیچکس راز نگوید و چشم در پیش دارد و اگر با وی
سخن گوید چشم با وی دارد و بر جای نگاه نکند و بحرمت بنشیند و چون
استاد را ملال رسد برسید او برود و چون استاد از جای خیزد نعلین
بگرداند و در راه سوال نکند و اگر مادر و پدر و استاد بیکبار کار فرمایند
کار استاد را مقدم دارند زیرا که بهترین پدران است بحکم حدیث پیغمبر علیه السلام
که افضل الآباء آب العلم یعنی فاضلترین و بهترین و نیکوترین پدران
پدر علم است و جای دیگر فرموده است که الآباء ثلثة اب ولدک و اب
زوجک و اب علمک و در حق معلمان رسول علیه السلام فرموده که اللهم اغفر
للمعلمین

للمعلمین واطل اعمارهم وبارک لهم فی کسبهم و امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
فرموده که حق معلمان هیچکس نتواند گذارد الا خدای تعالی و عن النبی صلی الله علیه وسلم
قال ان افضلکم من تعلم القرآن ثم علمه و جای دیگر فرموده که اکرم
الاستاذ و لو کان فاسقا یعنی بزرگ دارید استاذ را اگرچه فاسق باشد
و استاذ را حقیر نه دارید که رسول صلی الله علیه وسلم فرموده که ومن حق استاذه
فنسی ما قرأه یعنی هر که عزت و گرامی ندارد استاذ خود را فراموش کند آنچه
خوانده است پیش او و استاذ را بمال و تن خدمت کنید و چون بدر خانه
استاذ خود روید آواز نکنید و منتظر باشید تا استاذ بیرون آید که
طریق مروت و ادب اینست و چون استاذ کار فرماید بجان و دل بدان قیام
قیام نمایید و بتواضع تمام استاذ را بزرگ دارید که رسول علیه السلام
فرموده است که ابناء الکرام اذا تعلموا تواضعوا و ابناء اللئام اذا تعلموا
تکبروا یعنی بزرگ زادگان و حلال زادگان چون علم بیاموزند
تواضع و فروتنی نمایند با همه خصوصا با استاذ خود و فرومایگان

وحرام‌زاده‌گان چون علم بیاموزند تکبر کنند و باید که در پیش استاذ
چون بنده‌گان خدمت بجا آرند زیرا که رسول علیه السلام فرمود که
من تعلّمني آیةً من کتاب الله فهو مولاه یعنی هر که بیاموزد مرا
یک آیه از کتاب خدای تعالی پس او خواجهٔ من است و امیر المؤمنین علی رضی
فرمود که من علّمني حرفًا فقد صیّرني عبدًا یعنی هر که بیاموزد مرا یک
حرف پس مرا بندهٔ خود گرداند پس خدمت استاذ واجب و لازم باشد
مر مؤمنان را **بیت** حق استاذ بود فاضلتر از حق پدر اینچنین آمد
در اخبار کز ین خیر البشر گر نداری عزت استاذ را میدان یقین
هم فراموش تو گردد آنچه خواندی سربسر **فصل سیم** در آداب فرزند
با مادر و پدر و حرمت ایشان بدانکه آداب فرزند با مادر و پدر
آن است که هر چه گویند نیکو بشنود و بدان قیام نماید زیرا که خدای تعالی
میفرماید که ان اشکر لی و لوالدیک یعنی شکر گوید مرا که خداوندم
و پدر و مادر را و خدمت ایشان بجا آرید و با ایشان سخن بتواضع

ونرم

و نرم گویید چنانچه خدای تعالی میفرماید که و لا تقل لهما اف و لا
تنهرهما و قل لهما قولا کریما یعنی در روی پدر و مادر سخت نگویند
و بانگ بر ایشان مزنید و با ایشان سخن گویید بتواضع و فروتنی چنانچه
گناه کار گوید و آواز شما بلندتر از آواز ایشان نباشد و چون آواز
دهند بزودی لبیک گوید و رضا داری ایشان کنید که رضای
ایشان برضای خدای تعالی پیوسته است که رسول علیه السلام فرمود که
رضاء الله في رضاء الوالدین یعنی رضای خدای تعالی در رضای مادر
و پدر است **بیت** گر تو میخواهی رضای کردگار دور رضای والدین
گوش دار گر دل ایشان ز تو خوشنود شد گردی الله روز محشر
رستگار و در خدمت ایشان باید منت ننهد و چون والدین برخیزند
با ایشان هم برپای خیزد و در پیش ایشان نرود و تیز در روی ایشان
نگاه نکند و در پیش ایشان پیشانی فراهم نکند و در روی ایشان
خندان بود و بی دستور ایشان سفر نکند و رضای مادر ضعیف

نیکوئیها آورد که رسول علیه السلام فرمود که الجنة تحت اقدام
الامهات یعنی بهشت زیر قدم مادران است یعنی رضا رضای ایشان است
قال الله تبارک و تعالی وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ قال النبی علیه السلام
قل للعاق اعمل ما شئتم فانک لن تدخل الجنة وقل للبار اعمل ما
شئت فانک لن تدخل النار بیت هر کرا مادر بود اندر حیات پس
فرزندش بود راضی بدان هست امیدش که شاید در بهشت از
عذاب آخرة یابد نجات **باب نهم** در بیان اکرام ضیف و جار و صدقه
و این باب مبنی است بر سه فصل **فصل اول** در بیان ضیف بدانکه
مهمان را گرامی و نزدیک باید داشت چنانچه رسول علیه السلام فرمود
من اکرم الضیف فهو معی و مع ابراهیم فی الجنة یعنی هر که گرامی
دارد مهمان او را با من و با ابراهیم علیه السلام در بهشت باشد دیگر رسول علیه السلام
فرمود که الضیف دلیل الجنة یعنی مهمان دلیل بهشت باشد و دیگر رسول علیه السلام
فرمود که الضیف اذا نزل نزل برزقه واذا خرج خرج بذنوب

اهله

اهله یعنی مهمان چون بمقام فرود آید فرود آید با او روزی او و چون
بیرون رود از آن مقام بیرون برد گناه اهل آن خانه را دیگر رسول علیه السلام
فرمود که من لم یکرم ضیفه فلیس منی یعنی هر که گرامی ندارد مهمان را او
از امت من نباشد و دیگر رسول علیه السلام فرمود که البشاشة فی
وجه الضیف احب الی الله من عبادة مائة سنة یعنی هر که خوشی بی
کند در روی مهمان و خندان باشد بهتر است در پیش خدا تعالی از طاعت
صد نبی و دیگر رسول علیه السلام فرمود که اکرم الضیف ولو کان
کافرا یعنی گرامی دارید مهمان را اگرچه کافر باشد بیت اگر کافر است
مهمان تو بر پیش آر خوان تو از نان تو مگو کافر است او هست خلاف
دین برنجند جانش چون جان تو و نیز مهمان را غریب باشد
غریبان را غریبی و گرامی باید داشت چنانکه رسول علیه السلام فرمود
که اکرموا غربائکم فانی کنت فی الکم غریبا یعنی گرامی دارید شما غریبان را
که من در بود کی بغریبی افتاده بودم بیت گرامی بدارید مرد غریب

زخلق و از احسان کنیدش نصیب کما الله بود کی رسول خدا زمکه بطیب
قاده غریب **فصل دویم** در بیان همسایه و ایذاء آن بدانکه همسایه را
عزیز و مکرم باید داشت و نباید رنجانید زیراکه رسول علیه السلام فرمود
من اکرم جاره فقد وجبت له الجنة ومن اذی جاره فعلیه لعنة الله
والملائکة والناس اجمعین یعنی هر که گرامی دارد همسایه را واجب گردد
مر او را بهشت و هر که گرامی ندارد همسایه را لعنت خدا و فرشتگان و مردمان
همه بروی است دیگر رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که من اکرم جاره فکانما اکرم
سبعین نبیا یعنی هر که گرامی دارد همسایهٔ خود را الجنان باشد که گرامی
داشته باشد هفتاد پیغمبر را دیگر رسول علیه السلام فرمود که من اذی
جاره بغیر الحق حرم الله علیه الجنة وماویه فی النار یعنی هر که برنجاند
همسایهٔ خود را حرام کرداند خدا تعالی بروی بهشت را و جای او در آتش
بوده باشد **بیت** گرامی بدارید همسایه را که یابید بهشت نعیم از
خدا که هر کو کند رنج ایذای جار بر آن لعنت حق بود بی شمار

فصل سیم در صفت صدقه و سخاوت بدانکه در صدقه دادن
ثواب بیشمار است نزد خدا تعالی چنانکه خدا تعالی میفرماید وَمَنْ جَاءَ
بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا یعنی هر که نیکی بجای آورد از برای رضای ما
از برای او ده نیکی در نامهٔ اعمال او بنویسیم دیگر خدا تعالی میفرماید که مَثَلُ
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ
سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی آن کسانی
که نفقه میکنند مالهای خود را در راه خدا تعالی مثل آن باشد که دانه
زراعت کنند و هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه بود و
خدا تعالی مضاعف کند هر کرا خواهد یعنی هزار و چهار صد دانه گرداند
دیگر میفرماید مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ یعنی انچه نزدیک
شما بود فانی است وانچه نزدیک خدا تعالی بود باقی است دیگر رسول علیه السلام
میفرماید که ان صدقة السر تطفی غضب الرب یعنی صدقهٔ پنهان دادن
بنشاند خشم پروردگار را دیگر رسول علیه السلام میفرماید که

داءوا مرضاکم بالصدقة یعنی دوا کنید بیماران خودرا بصدقه
دادن اگرچه اندک باشد که نزدیک پروردگار بسیارست چنانکه
رسول علیه السلام فرمود که القلیل عند الله کثیر یعنی صدقهٔ اندک نزد
خدا تعالی بسیارست و دیگر رسول علیه السلام فرمود که الصدقة
ترد البلاء یعنی صدقه دادن باز گرداند بلارا بیت گر تو خواهی
که برگردد بلا با خلق نیکی خیر احسان نما   زانکه از سید صحیح است
این سخن بهر خیرات شود رد بلا   دیگر رسول علیه السلام فرمود
الصدقة تطفی الخطیئة کما یطفی الماء النار یعنی صدقه دادن پاک کند
و بنشاند گناه را چنانکه آب آتش را دیگر رسول علیه السلام فرمود
الصدقة تمنع السوء یعنی صدقه دادن باز دارد رنجها و بلاها
دیگر رسول علیه السلام فرمود که البخیل لا یدخل الجنة والسخی لا
یدخل النار دیگر رسول علیه السلام فرمود که کافر سخی رجوا
فی الجنة من مسلم بخیل یعنی مرد کافر سخی امیدوارترست به

بهشت

بهشت از مسلمان که بخیل باشد دیگر رسول علیه السلام فرمود که
السخی لا یدخل النار ولو کان کافرا والبخیل لا یدخل الجنة ولو
کان مسلما یعنی سخی در نیاید بآتش اگرچه کافر باشد و بخیل در نیاید
در بهشت اگرچه مسلمان باشد دیگر رسول علیه السلام فرمود که
السخی فی جوار الله وانا رفیقه والبخیل فی النار ورفیقه ابلیس
یعنی سخی در جوار خدا تعالی باشد ومن رفیق او باشم و بخیل در آتش
باشد و رفیق او ابلیس باشد دیگر رسول علیه السلام فرمود که السخی
قریب الی الله وقریب فی الجنة وقریب بالناس وبعید من النار والجاهل
السخی احب الی الله من عابد بخیل یعنی سخی نزدیکست بخدا و به بهشت
و بمردمان و دورست از آتش دوزخ و نادان با سخاوت بهترست
نزد خدا تعالی از عبادت کننده بخیل دیگر رسول علیه السلام فرمود
که الجنة دار الاسخیاء یعنی بهشت سرای سخاوت کنندگانست
والله اعلم بیت هست جنت جای آنکس کو سخیست زانکه هرکس

بخل ورزد دوزخیست مرد [illegible] رحیم مهربان رحمت حق لازم
مرد سخیست **خاتمه** در بیان معاصی اندام و عمل خالص و کسی که
دوستی نشاید در بیان آنکه نفس دین طاعت است و نقصان گناه
دور بودن هر کس طاعت بجای تواند آورد از جملهٔ گناهان دست
نتواند داشت الا صدیق بدانکه تمام اندام و اعضای تو در عرصات
بر تو گواهی خواهند داد و ترا بر سر خلایق فضیحت و رسوا بخواهند
کرد چنانکه خدای تعالی میفرماید که يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ
أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ یعنی زبان ایشان و دست ایشان
و پای ایشان بر ایشان گواهی دهند بهرچه کرده باشند پس جملهٔ
تن خویش نگاه دار خاصه هفت اندام را چشم و گوش و زبان
و پای و شکم و دست و فرج اما چشم را برای آن آفریده است که تا چون
براه روی در پیش پای خود نگاه کنی و چشم از پشت بر نداری و هرچه
ترا بدان حاجت است بینی و تا بملکوت آسمان و زمین نظاره کنی و عبرة

بگیری

گیری و عجایب صنع پادشاهی بینی چنانکه خدای تعالی میفرماید که فَاعْتَبِرُوا يَا
أُولِي الْأَبْصَارِ یعنی عبرة گیرید از خداوندان بینش و جای دیگر فرمود XXXX
که فَانْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ یعنی بنگرید بآثار رحمت خدای تعالی و آن
هرچه جز آن است چشم نگاه دارید تا فردای قیامت در نمانید اما گوش را
برای آن آفریده است تا سخن خدا و رسول و علما و اولیا شنوی و علم حاصل
کنی و آنرا زاد آخرة بسازی و بسعادت ابدی برسی و درین بشارة
داخل باشی که فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ
یعنی ای محمد صلی الله علیه وسلم بشارة ده آن بندگان را که میشنوند قرآنرا و نیکو
متابعت او میکنند و آنهرچه غیر این بود گوش خود را نگاه دارید
خاصه از سخن بدعت و فحش و بیهوده و غیبت که شنوندهٔ غیبت
چون گویندهٔ غیبت بود چنانکه رسول علیه السلام فرمود که السامع
للغیبة احد المغتابین یعنی شنوندهٔ غیبت چون یکی از غیبت کنندگان است
بیت مکن غیبت گوش کم کن بدان که غیبت بود پیشهٔ گمرهان

چو سال بنشینی فعلان هم مکن میلای کامت بجون کسان اما زبانرا
برای آن آفریده است که تا ذکر خدا تعالی گویی و قرآن خوانی و علم را بر راه
نمودن خلق بگویی چنانکه خدا تعالی میفرماید که وَاذْکُرُونِی وَاذْکُرْکُمْ
یعنی یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را کما افضل الذکر لا اله الا الله است و انهرچه
خبر آن است زبان نگاه داری خاصه از دروغ گفتن که دروغ از همه
گناهان بزرگتر است و چون بدروغ معروف شوی هیچ کس بر قول تو
اعتماد نکند و از غیبت که از زنا بدتر است زبان نگاه داری و از نابد توبه
برخیزد و غیبت برنخیزد و از جدل و خصومت کردن و از مزاح تمام خره
زبان نگاه داری و وعده را خلاف نکنی که خلاف وعده نشان نفاق است
چنانکه رسول صلی الله علیه وسلم فرموده است که علامة المنافق ثلاثة اذا حدث
کذب و اذا وعد خلف و اذا اتمن خان یعنی نشانه منافق سه چیز است
چون سخن گوید دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند
و چون امانت بوی دهند خیانت کند بیت هر آنکس که گوید سخنها دروغ
بناشد

نباشد دیگر وعده اش را فروغ امانت خیانت کند آنکه او منافق
بود با خلاف دروغ اما شکم را برای آن آفریده است که از حرام و شبه
خوردن نگاه دارد و از حلال اندکی خورد که چون شکم سیر شود
دل سیاه شود و حفظ تباه شود و اندامها از عبادت گران شود و
شهوتها که لشکر شیطان است قوی شود و سیر خوردن از حلال کلید
همه بلیه‌ها است پس اگر حرام بود چگونه بود و طلب حلال فریضه است
بر همه مسلمانان و عبادت با خوردن حرام چون بنا بر سرگین بود
و گمان مبر که حلال نایافت بود که چون بجامه کهنه و نان بی
نان خورش قناعت کنی از حلال در نمانی و یقین میدان که هر گوشت
که از لقمه حرام بر تن تو بیفزاید بر آتش دوزخ سزاوارتر باشد
چنانچه رسول علیه السلام فرمود که کل لحم من الحرام زاد النار
اولی بها یعنی هر گوشت که از حرام بر تن بیفزاید با آتش دوزخ
سزاوارتر باشد هیچ افزونی عبادت از حرام در تو و

درخوانده و در کام کام کوششی که افزوده در تن از حرام بی شکی
در آتش است انو المقام امّا دست را نگاه داری از آزردن مسلمانان
چنانچه رسول علیه السلام فرمود که المسلم من سلم المسلمون من یده
ولسانه یعنی مسلمان آنکس است که مسلمانان از دست و زبان او سلامت
باشند نه آنکس که در صبح در شام خلق بدست دعا بد او
میکنند امّا فرج را از زنا نگاه داری که بسیار خوردن شهوة انگیزد
و شهوة اندیشه بر نگریستن دارد پس بیخ همه شهوتها سیر خوردن است
خاصه از شبه و زنا کردن برکت از عمر و مال ببرد چنانچه رسول علیه السلام
فرموده است که الزنا یورث الفقر یعنی زنا درویشی بار آورد
لقمان حکیم فرزند خود را فرمود که یا بنیّ لا تزن فانّ الطیر
لو زنا لتناثر ریشه یعنی ای فرزند من زنا شروع نکنی و از آن اجتناب
کنی که اگر مرغ زنا کند هر آینه بال و پر وی فرو ریزد امّا پای را نگاه
داری که پای را بر آن از برای آن آفریده است تا بجایگاه و مقام روی چون

زیارت

زیارت و طلب علم و مسجد و غیره و بخوانند پادشاه و وزیر و عامل
و ظالم نروی الّا بضرورت که هر که توانگر را تواضع کند دو بهره از دین
او برود امّا دل را از حسد و ریا و شرک و عجب و کبر پاک داری که این
صفات عمل را هیچ قربت بود بلکه مقبول نباشد و اخبار بسیار درین باب
وارد شده است و تر از این جمله این خبر کفایت بود که جابر بن عبد الله
رضی الله عنه گوید که از رسول صلی الله علیه وسلم شنیدم که با صحب گفت که شما را
چیزی بیاموزم که اگر نگاه دارید شما را سود دارد و اگر ضایع کنید شما را
حجت و عذر نزد خدا تعالی بریده شود یا صحابه من خدای تعالی را هفت
فرشته است که ایشان را بیافریده است پیش از آفریدن آسمانها و هر یکی را به
آسمان فرستاده است چون کرام الکاتبین که رقیب اند بر اعمال بندگان
از بامداد تا شبانگاه عمل بندگان را برند چون بآسمان اول رسند
آن فرشته که دربان آسمان اول است گوید که این عمل را بر روی خداوند
و ندشذیند که من فرشته غیبتم خدای تعالی فرموده است که عمل کسی که

مردمان را غیبت کرده باشد مگذارید که از تو در گذرد و دیگر کرام الکاتبین
عمل بندهٔ دیگر برند که غیبت نکرده باشد چون باسمان دویم رسند
دربان آسمان دویم گوید که این عمل بر روی خداوندش زنید که خواست
او ازین عمل غرض دنیا بوده مرا فرموده اند که عمل ترا راه ندهم که در میان
فخر آوردی پس عمل دیگر که نور از وی تابان بود بیاوردن صدقه و نماز
کرده بودن چون باسمان سیم رسد دربان آسمان سیم گوید که این عمل
بر روی خداوندش زنید که من فرشتهٔ تکبرم وی در مسجدها تکبر
کردی مرا دستوری نیست که عمل وی را راه دهم پس عمل بندهٔ دیگر برند
چون ستاره درخشان از تسبیح و تهلیل و نماز و روزه و حج و زکوة
چون باسمان چهارم رسد دربان آسمان چهارم گوید که این عمل بر
روی و عبادت زنید که من فرشتهٔ عجبم و نگذارم که عمل وی از من
در گذرد که هیچ کار نکردی که عجب در آن میان نبودی پس عمل
بنده دیگر بیارند چون عروس آراسته چون باسمان پنجم رسد دربان

آسمان

آسمان پنجم گوید که این عمل بر روی وی زنید که من فرشتهٔ حسدم
که وی همیشه حسد کردی چون کسی عمل بجا آوردی یا علم آموختی
یا غیره او را حسد کردی نگذارم که عمل وی از من در گذرد پس عمل
بندهٔ دیگر برند چون ماه چهارده درخشان از نیکوی چون باسمان
ششم رسد دربان آسمان ششم گوید که این عمل بر روی وی باز
زنید که من فرشتهٔ رحمتم وی هرگز بر کسی که وی را بلا و رنج و مصیبتی
بودی رحم نکردی و شادکامی کردی نگذارم که عمل وی از من در
گذرد پس عمل بندهٔ دیگر برند که روشنائی او چون روشنائی آفتاب
بود از زهد و ورع و سه هزار فرشته در متابعت او روند چون
باسمان هفتم رسد دربان آسمان هفتم گوید که این عمل بر روی خدا
وندش باز زنید که من فرشتهٔ ریاام باز دارم هر عمل که خالص نباشد
برای رضای خدای تعالی و خلق تعالی طاعت ریائی قبول نکند پس عمل بندهٔ
دیگر برند از آسمان هفتم در گذرند و همهٔ آسمانها از نور وی

روشن شود فرشتگان آسمانها همه در عقب آن عمل بروند تا از همهٔ
حجابها درگذرانند و همه گواهی دهند که این عمل خالص است و بخدای تعالی
رسانند خدای تعالی گوید که ای فرشتگان شما رفیق و نگاهبان این بنده
بودید که من مطلع بودم بر دل وی و این عمل را برای من نکرده است
بر ان باد لعنت من و شما و آنهر که در آسمان و زمین است پس صحابه گفتند
یا رسول الله صلی الله علیه وسلم چگونه عملها آوریم که نزدیک حق تعالی جل جلاله
قبول افتد و شایستهٔ او بود رسول صلی الله علیه وسلم گفت یا صحابهٔ من بمن
اقتدا کنید که اگرچه عمر شما کوتاه است نگاه دارید و برگناه خود پشیمان
باشید و بر خویشتن ثنا مگویید و خویشتن را از دیگران برتر
مدانید و کار دنیا در میان کار آخرة در میارید و در نشستن تکبر
مکنید و غیبت مردمان مکنید و بر مردمان حسد مبرید و حرام
و شبه مخورید و پیش مردمان با دیگران راز مگویید صحابه گفتند
یا رسول الله از این خصلتها که رهایی یابید رسول علیه السلام گفت

ای صحابهٔ

ای صحابهٔ من این آیة آسان است بر هر که خدای تعالی آسان کرداند پس
این صفات که درین حدیث است از عجب و ریا و تکبر و حسد و غیره
آن بر هیچ کس اینچنان غالب نباشد الا کسی که با رسایی کند یا علم
آموزد برای جاه و قبول خلق عامیان از این صفات رسته اند
پس فریضه بود که بطهارة کردی تا باطن تو از این پلیدیها پاک شود
و اصل این همه پلیدیها حب دنیا بود چنانکه رسول علیه السلام فرمود
که الدنیا مزرعة الآخرة یعنی زاد آخرة از دنیا توان گرفت والله اعلم

بیت

عملی پسندد خداوند ما — که خالص بود آن ز عجب و ریا
هم از کبر و از غیبت و از حسد — بود پاک و صافی بنور صفا

اما چون خواهی که با کسی دوستی کنی باید که در وی پنج خصلت باشد
اول عقل که در صحبت احمق هیچ خیر نباشد امیر المومنین علی رض
فرمود که عدو عاقل خیر من صدیق جاهل یعنی دشمن عاقل بهتر
بود از دوست جاهل دوم باید که نیکو خوی باشد که با بدخوی

صحبت دشوار بود و بدخوی آن بود که در وقت خشم و حرص
بر خویشتن بر نیاید و باید که صحبت با کسی دارد که اگر سخن
گوید ترا راست گوی داند و اگر ترا کاری پیش آید خود را سپر
تو گرداند و اگر مهمی پیش آید بر تو اختیار کند اگر ترا کاری
افتد باک ندارد کار خویش ضایع کند تا کار تو راست شود
سیم باید که با صلاح بود که با هیچ مفسد و فاسق دوستی
نباید کرد که از خدا تعالی نترسد و از وی ایمن نتوان بود
و چون غرض وی بگردد وی نیز بگردد و هر کس از خدا تعالی
نترسد بر هیچ کس اعتماد نکنید و نیز دیدن فاسق و مفسد
گناه بود چهارم باید که راست گوی باشد که با دروغ
گوی صحبت داشتن راحت نبینی و هرچه گوید بدان اعتماد
نباشد و چون دروغ گویی شد بر سخن تو نیز اعتماد
نکنند هر چند راست باشد پنجم باید که با دنیا

حریص

حریص نباشد که صحبت با کسی که دنیا را دوست دارد زهر
قاتل است زیرا که صحبت با اهل دنیا چون زهر است که از دهان
مار بیرون آید

بیت

هر که با دونان نشیند همچو دونان دون شود
با خردمندان نشیند هم خرد افزون شود
گر به بندی اسپ تازی یک زمان پیش خر
رنگ شان هم گون نگردد طبع شان هم گون شود

تمت الرساله الشریفه تنبیه الغافلین
فی سنه الف و مائتین واحد عشرة من هجرة النبویة
صلی الله علیه و سلم
امید جان است که هر کس بخواند
این فقیر را به دعای خیر یاد آورده می
نموده باشد والله اعلم
بالصواب
تمت
۱۲۱۱

شد تمام این نسخه با فضل خدا
هر که خواند از همه دادم دعا

